



عزیزی بانک
Azizi Bank

عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده‌اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می‌توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین‌های اتومات صرافی ما بهره‌مند شوید.



www.azizibank.af

1515

احمد ولی مسعود در برنامه مناظره تلویزیون خصوصی آریانا نیوز:

قطب‌بندی‌های زبانی و قومی به اوجش رسیده است



زمانی که لویه‌جرگه به درازا کشید، اشرف غنی در محضر ۲۰ تن مرا خطاب قرار داد، گفت: «جناب سفیر صاحب! یادتان باشد هر زمانی که من به قدرت برسم، توسط قوم یا شمشیر یا توسط خارجی‌ها شما مردم را از این کشور بیرون می‌کنم». همان روز کرزی صاحب مرا دعوت کرد و گفت که معذرت می‌خواهیم....

صفحه ۶



موضع امریکا حاصل دیپلوماسی ماست



جدال پنج‌ساله بر سر تذکره برقی پایان می‌یابد؟



حکومت در پی ناامن‌سازی بلخ است

جمعیت و حکومت درباره استاد عطا مذاکره کردند



نخستین نشست حزب جمعیت اسلامی با ارگ در مورد عطا محمد نور به پایان رسید.

صلاح‌الدین ربانی، محی‌الدین مهدی، ستار مراد و واقف حکیمی به نمایندگی از حزب جمعیت و حنیف اتمر، معصوم ستانکزی و سلام رحیمی به نمایندگی از حکومت در این مذاکره حضور داشتند.

یک منبع که نمی‌خواهد نامش فاش شود می‌گوید که این مذاکرات روی تعیین نمایندگان جمعیت بر کرسی‌های «دو وزارت، دو سفارت، یک ولایت و یک فرماندهی پولیس» بوده است.

منبع می‌افزاید که در نشست امروز صرفاً خواست‌های حزب جمعیت اسلامی به گوش ارگ رسانده شده و دو طرف در نشست‌های بعدی بیشتر گفت‌وگو خواهند کرد.

به گفته منبع، شب گذشته صلاح‌الدین ربانی با عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی حکومت نشستی داشته و در باره این مذاکرات رأی‌زنی کرده‌اند و رئیس اجرایی نیز بر حل مسالمت‌آمیز این جنجال‌ها پافشاری کرده است.

این در حالی است که عطا محمد نور، رئیس اجرایی حزب جمعیت روز سه شنبه برای چندمین بار می‌گوید که حکومت برنامه ناامن‌سازی بلخ را روی دست دارد. او اما این بار از بریزوباش‌هایی در کابل سخن می‌زند و می‌گوید، نهادهای امنیت ملی و شورای امنیت ملی «افراد ولگرد» را در مهمان‌خانه‌های دولتی جمع کرده و به آن‌ها سلاح توزیع می‌کنند تا در برابر بلخ شورش کنند.

رئیس مجلس سنا:

آلودگی هواد خطرناک‌تر از انفجار و انتحار است



تا در یکی از نشست‌های آینده این مجلس، مسوولان محیط زیستی را در پیوند به افزایش آلودگی در کابل، استجواب کنند.

فضل هادی مسلم یار رئیس مجلس سنا خطر آلودگی هوای شهر کابل را خطرناک‌تر از خطرات انفجار و

اعضای مجلس سنا ضمن ابراز نگرانی از افزایش آلودگی هوا در کابل، فیصله کردند تا مسوولان محیط زیستی را استجواب کنند. اعضای مجلس سنا با اکثریت آرا در نشست روز سه شنبه (۱۲ جدی) این مجلس فیصله کردند

از مواد سوختی بی کیفیت و غیر استاندارد برای گرمای خانه هایش شان استفاده می‌کنند و همین مساله سبب آلودگی بیشتر در شهر کابل شده است.

اعضای مجلس سنا می‌گویند که در نتیجه آلودگی هوا در شهر کابل امراض تنفسی در شهر کابل بیشتر شده است.

به گفته آنان، افزایش آلودگی هوا در شهر کابل، این شهر را به بدترین جای برای زندگی تبدیل کرده است.

همچنین، اعضای مجلس سنا، شهرداری و دیگر نهادهای مسوول محیط زیستی را به کم توجهی برای جلوگیری از بدتر شدن شرایط محیط زیستی در کابل، متهم کردند و خواستار اقدام جدی به منظور کاهش آلودگی در شهر کابل شدند. این در حالی است که با فرا رسیدن فصل سرما، دود و غبار ناشی از استفاده از مواد سوختی بی کیفیت در شهر کابل بیشتر شده است.

حملات انتحار در کشور دانسته و بر همکاری مردم با نهادهای دولتی تأکید کرد.

آقای مسلم یار افزود که اگر مردم همکاری نکنند وضعیت آلودگی هوا در شهر کابل بد خواهد شد.

پس از توافق سناتورها، رئیس مجلس سنا گفت که مسوولان محیط زیستی را در همین رابطه در یکی از نشست‌های آینده این مجلس فرا می‌خواند که برای جلوگیری از آلودگی هوا در شهر کابل چه برنامه‌های دارند.

اعضای مجلس سنا نیز آلودگی هوا را در شهر کابل کشنده خواندند و از افزایش روز افزون آلودگی ابراز نگرانی کردند.

سناتورها تأکید داشتند که مردم به دلیل ضعف وضعیت اقتصادی

محمد اکرام اندیشمند

جدال پنج ساله بر سر تذکره برقی پایان می‌یابد؟

سخن ماندگار

کمک های «احمقانه» یا «هوشیارانه» به حامی تروریسم؟

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا، در تویتراش در سال نو ترسایبی نوشته که «امریکا به صورت احمقانه در پانزده سال گذشته بیشتر از ۳۳ میلیارد دلار را در اختیار پاکستان گذاشته؛ ولی در عوض دروغ و فریب از این کشور تحویل گرفته است». او هم چنین تاکید کرده که امریکا پس از این مجبور نیست که چنین سخاوتمندی در برابر پاکستان از خود نشان دهد. این سخنان را بسیاری از تحلیل گران به معنای پایان رابطه امریکا با پاکستان تلقی کرده و نتیجه گرفته‌اند که روزهای دشوار این کشور آغاز شده است. آیا رئیس جمهوری امریکا موضع قاطعانه خود را با اتخاذ تدابیر جدی اقتصادی و سیاسی در برابر پاکستان پی خواهد گرفت و این کشور را مجبور به انزوا خواهد ساخت و یا این که چونان گذشته پس از مدتی دوباره همه چیز به حالت عادی در خواهد آمد و امریکا از مواضع سخت گیرانه در برابر پاکستان دست خواهد برداشت؟ در این که آقای ترامپ سیاست سخت گیرانه‌یی در برابر پاکستان در پیش گرفته هیچ جای تردیدی نیست و این سیاست هرازگاهی در سخنرانی های مقام های امریکا خود را نشان داده است. هیچ یک از مقام های امریکایی پس از روی کار آمدن آقای ترامپ نظر خوشبینانه نسبت به پاکستان نشان نداده و همواره از این کشور به دلیل حمایت از گروه های تروریستی انتقاد کرده اند؛ ولی در عمل امریکا تا به حال هیچ قدمی برای تحت فشار قرار دادن پاکستان از سوی امریکا انجام نشده است. این گونه سخنان زمانی می‌توانستند که نتایج ملموس در پی داشته باشند که واقعا امریکا گام‌هایی را برای مهار پاکستان در حمایت از تروریسم بر می‌داشت و این کشور را مجبور می‌کرد که دیگر به چنین حمایت‌هایی ادامه ندهد. سیاستمداران پاکستانی به صورت دوگانه بازی خود را انجام می‌دهند. از یک طرف در حمایت قاطع از گروه‌های تروریستی که به شکلی منافع این کشور را تامین می‌کنند، قرار دارند و از طرف دیگر خود را در صف اول مبارزه با چنین گروه‌های برای جهان به هدف گرفتن امکانات مالی و تسلیحاتی معرفی می‌کنند. این سیاست دوگانه تا به حال به نفع پاکستان بوده و این کشور همان گونه که آقای ترامپ نوشته حداقل در پانزده سال اخیر بیشتر از ۳۳ میلیارد دلار را تنها از امریکا به دست آورده و از جانبی هم هیچ اقدام تمبربخشی را در برچیدن پایگاه‌های تروریست‌ها بر نداشته است. چنین سیاستی باعث شده که صدمه اصلی آن را مردم افغانستان و پس از آن جامعه جهانی و در راس آن‌ها امریکا متقبل شود. مردم افغانستان به دلیل سیاست‌های حمایتی از پاکستان هر روز مجبور به قربانی دادن هستند و جامعه جهانی نیز مجبور است که در کنار تقیل هزینه‌های جنگ به کشوری کمک‌های مالی انجام دهند که خود پرورش دهنده گروه‌های تروریستی است. انتقادی که همواره متوجه امریکا بوده از همین ناحیه است و حتا این که شایبه حمایت این کشور از گروه‌های تروریستی را بر سر زبان‌ها انداخته بازم از ناحیه ادامه این سیاست بوده است. بسیاری‌ها در جهان و داخل افغانستان به این نظر رسیده‌اند که امریکا نمی‌خواهد جنگ با تروریسم در افغانستان پایان یابد و به همین دلیل در کنار این که به شکلی در برابر گروه‌های تروریستی می‌جنگد اما در جا های دیگر و از جمله از طریق پاکستان ادامه حیات آن‌ها را ضمانت می‌کند. رئیس جمهوری پیشین افغانستان حامد کرزی با همین نگاه شک‌آمیز امریکا را حامی اصلی تروریسم معرفی می‌کند و می‌گوید که او در دوره سیزده ساله زمام داری اش در افغانستان دریافت کرده که امریکا به صورت صادقانه با تروریسم مبارزه نکرده است. آقای کرزی می‌گوید به همین دلیل حاضر نشد که پیمان امنیتی با امریکا را در زمانی که رئیس جمهوری افغانستان بود، امضا کند؛ چون این کشور به باور او نمی‌خواهد که صلح و امنیت در این کشور تامین شود. آقای کرزی بارها اعلام کرده است که اگر امریکا بخواهد امنیت بلافاصله در افغانستان تامین می‌شود. این نگاه شک‌آمیز البته محدود به آقای کرزی و اطرافیان او نیست. بسیاری از کشورهای منطقه که مشکل تروریسم را حس می‌کنند چنین باوری نسبت به امریکا دارند. روسیه و ایران به عنوان دو کشور قدرتمند در منطقه از چنین دیدگاهی حمایت می‌کنند و حتا این دو کشور باور دارند که امریکا برای ناامن‌سازی منطقه از سیاست حمایت از گروه‌های تندرو مذهبی پی روی می‌کند. بحث حضور داعش در افغانستان که حالا برخی از سیاست گران داخلی نیز به آن اشاره دارند دقیقا از همین منظر مطرح می‌شود. بسیاری از سیاست‌گران داخلی و خارجی به این باور رسیده‌اند که داعش به افغانستان نیامده بل آورده شده است. به گفته آن‌ها هدف این گروه تسلط یافتن بر افغانستان نیست بل می‌خواهد از طریق این کشور به کشورهای آسیای مرکزی راه پیدا کند. روسیه همین حالا نگران گسترش حضور داعش در شمال افغانستان است و بارها از آماده‌گی‌هایش برای مبارزه با این گروه خیر داده است؛ پیشنهادی که تا به حال از جانب امریکا و دولت مردان کشور جدی تلقی نشده است. با توجه به این وضعیت امریکا باید تکلیف خود را نخست با پاکستان به عنوان اصلی ترین حامی منطقه‌یی گروه‌های تروریستی مشخص سازد و بعد به مبارزه قاطعانه با گروه‌های دهشت‌افکن در داخل افغانستان اقدام کند.

مجلس نماینده گان (ولسی جرگه) روز هشتم جوزای ۱۳۹۲ (۲۹ می ۲۰۱۳) با تصویب قانون ثبت احوال نفوس، مشخصات تذکره تابعیت یا شناسنامه الکترونیکی را که بر سر نوشتن نام اقوام افراد در آن اختلاف نظر داشتند، بگونه زیر نهایی و تصویب کرد: درج نام و نام خانوادگی، نام پدر، نام پدیر کلان، محل سکونت فعلی، سکونت اصلی، تاریخ و محل تولد و دین افراد. احتراز از درج نام اقوام در شناسنامه و به عوض آن ثبت مشخصات قومی همراه با عکس و انگشت‌نگاری در مرکز اطلاعات وزارت داخله. نگارش این مشخصات در شناسنامه با دو زبان پشتو و فارسی-دری و در عقب آن به زبان انگلیسی. در بالای مشخصات متذکره، به هر سه زبان نوشته می‌شود: جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت داخله، تذکره تابعیت.

یکی از دلایل امتناع از ذکر نام اقوام به روی صفحه شناسنامه به توصیه‌های سازمان ملل متحد و منابع غربی کمک دهنده پروژه توزیع تذکره و سرشاری نفوس بر می‌گشت. آنها درج هويت قومی را در شرایط بی ثباتی و جنگ، مشکل ساز تلقی می‌کردند که ممکن است مشخص بودن هويت‌های قومی در تذکره تابعیت به تبعیض و حتی به تهدید جان افراد بر مبنای هويت شان بیانجامد. این منابع از وقایع تجربه‌هایی در حوزه بالکان اروپا و برخی کشورهای افریقایی چون راوندی سخن می‌گفتند. در بحث بر سر



درج واژه «افغان»، این نظر مورد تایید اکثریت قرار گرفت که نوشتن نام افغانستان سه بار و به سه زبان، تعلق و هويت دارنده شناسنامه را بدون هیچ ابهامی مشخص و تثبیت می‌کند و نیاز به تکرار یک واژه بحث برانگیز نیست.

قانون ثبت احوال نفوس، پس از تصویب مجلس نماینده گان، توسط مجلس سنا (مشران جرگه) نیز به تصویب رسید؛ اما رئیس جمهور کرزی از توشیح آن امتناع کرد و آن را به جانشین خود به میراث گذاشت. سرانجام قانون ثبت احوال نفوس، توسط رئیس جمهور غنی در ۱۰ قوس ۱۳۹۳ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۴) در مراسم رسمی داخل ارگ ریاست جمهوری که دکتر عبدالله رییس اجرایی با معاونین اش و هر دو معاون اول و دوم رییس جمهوری شرکت داشتند، توشیح گردید. سپس قانون مذکور در جریده رسمی انتشار یافت که بلا فاصله می‌بایست تطبیق می‌شد و کار توزیع تذکره (شناسنامه) آغاز می‌یافت. اما این قانون اجرا نشد و پس از اعتراضات مجموعه‌یی با حمایت برخی افراد رادیکال قومی، که خواهان درج واژه «افغان» به عنوان هويت همه بودند، رئیس جمهور غنی توزیع شناسنامه الکترونیکی را علی رغم تاکید دکتر عبدالله رییس اجرایی به توزیع آن، عملا معلق قرار داد.

هرچند رییس اجرایی که یکبار اسماعیل یون، یکی از علاقه‌مندان درج واژه افغان با وی دیدار داشت تا حمایت وی را از درج واژه «افغان» جلب کند، مخالفتی با درج این واژه نمی‌کرد اما مخالفت بسیاری از حامیان و هواداران او در داخل و بیرون پارلمان وی را از توافق سریع در این مورد باز داشت. برخی وکیلان پارلمان، از جمله دکتر محی‌الدین مهدی و عبدالحفیظ منصور با رییس اجرایی صحبت کردند تا او را متقاعد به موضع جدی بر سر توزیع تذکره الکترونیکی کنند. درحالی که رییس جمهور غنی مصمم به تعدیل قانون مصوب و توشیح شده ثبت احوال

قانون و گزینه دوم تنها راه حل سیاسی است که موضوع ملت/تابعیت در کارت تفصیلی نوشته شود و صدور آن الزامی نباشد. ۱۳- در نهایت اگر باز هم موضوع به شورای ملی راجع می‌شود، فرمان تقنینی تنها در مورد نوشتن ملت/تابعیت را در کارت تفصیلی باشد و این را بگذارند که اگر شورا خود می‌خواست که این معلومات در روی تذکره برقی نوشته شود. مسوولیت عواقب بعدی را نیز آنها بگیرند. در کنار دلیل بالا این نقاط مهم نیز باید در نظر گرفته شود:

* ضمن تاکید مندرجات فوق، تاکید تعیین و تشخیص دقیق هويت فردی شهروندان تنها با توزیع تذکره الکترونیکی ممکن می‌گردد که یک نماد خوب اعتبار ملی به شمار می‌رود.

* رهبری سیاسی کشور باید اراده خود را در این راستا به قاطعیت نشان دهد و مرعوب جنجال‌ها و غوغاگری تعداد معدود نگرده.

* نفع که در توزیع سند الکترونیکی نهفته است به مراتب مهمتر و بیشتر و بالاتر از مطالبات و خواسته های گروه ها و افراد تندرو است.

* مذبذب و وقت کشی در توزیع سند الکترونیکی، زیان های جدی به منافع کشور و شهروندان وارد می‌سازد.

* تداوم بازی با سند الکترونیکی فرصت غوغاگری را برای افراطیون مساعد و شکاف ها و حساسیت های قومی را تشدید می‌کند.

* توزیع تذکره الکترونیکی بر مبنای آنچه را که پارلمان به تصویب رسانیده، هم عقلائی و قانونی است و هم کشور را از یک موج تهدید دگر نجات می‌دهد.

* ارجاع مجدد این دوسیه به پارلمان به معنی نبود اراده سیاسی در رهبری حکومت برای توزیع تذکره الکترونیکی و تداوم بحران قومیت در کشور تلقی خواهد شد.

سرانجام رییس جمهور غنی بدون اعتنا و التفاتی به تقاضا و دلایل رییس اجرایی به تصمیم خود در تعدیل و تغییر ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس ادامه داد. وی به جای آنکه این تعدیل را از طریق مجلس نمایندگان عملی کند، روز دوازدهم حوت ۱۳۹۵ (۲۱ مارچ ۲۰۱۷) در ایام تعطیل ولسی جرگه آن ماده را توسط کمیته قوانین کابینه تعدیل و تغییر داد و با توشیح خود به قانون تبدیل کرد. بر مبنای این تغییر و تعدیل، «ملت» و «قوم» بروی صفحه تذکره الکترونیکی اضافه شد تا در مقابل آن واژه «افغان» و قومیت افراد درج شود. اما مجلس نماینده گان پس از سکوت چند ماهه در هشتم عقرب ۱۳۹۶ تعدیل وارد شده را در ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس توسط رییس جمهور غنی رد کرد و به تطبیق تصویب قبلی هر دو مجلس شورای ملی که از سوی رییس جمهور نیز توشیح شده بود، تاکید به عمل آورد. فیصله جدید مجلس نماینده گان در مورد تردید فرمان ریاست جمهوری در مجلس سنا باید تایید می‌شد؛ ولیکن مجلس سنا بر خلاف ولسی جرگه یا مجلس نماینده گان، تعدیل ریاست‌جمهوری را در مورد ماده ششم قانون ثبت احوال نفوس، مورد تایید قرار داد. پس از این تردید و تایید، این قانون برای بحث و فیصله دیگر به کمیته مختلط هر دو مجلس رفت. شماری از اعضای کمیته مختلط در غیاب برخی اعضای دیگر روز بیست و هفتم قوس ۱۳۹۶ به تعدیل ریاست جمهوری در مورد قانون ثبت احوال نفوس مهر تایید زدند. این تایید که ظاهرآ راه را برای آغاز توزیع تذکره برقی مطابق خواست ارگ ریاست جمهوری باز کرد، اما قبل از آنکه کار توزیع آغاز شود یک بار دیگر صدای مخالفت از درون مجلس نمایندگان بر آمد. نیمی از اعضای کمیته مختلط ادعا کردند که کمیته مذکور بدون اطلاع آن‌ها و در غیاب شان بصورت غیر ضروری زمینه می‌دهیم تا مردم را بیشتر تحریک نموده و سبب تفرقه بیشتر شوند، درحالی که با نوشتن آن ما همه هموطنان را یکی تلقی می‌نماییم. ۹- فرستادن این موضوع به شورای ملی یکبار دیگر فضای تنش آلود فعلی مجلس را بد تر می‌سازد که هیچ نیازی در حالت کنونی به آن نیست و احتمال دارد مانند قانون انتخابات مجلسین فیصله های متفاوت داشته باشند که مشکل را بیشتر پیچیده می‌سازد. ۱۰- آنطوریکه شنیده می‌شود در این روزها برخی حلقهات در شورای ملی موضوع نوشتن زبان فارسی دری را در تذکره الکترونیکی بالا کرده‌اند که به موضع پیچیدگی بیشتر خواهد داد و تفاوت نظرها را بدون شک میان گروه های افراطی عمیق تر خواهد ساخت. ۱۱- مردم از رهبران حکومت ملی انتظار دارند که تصمیمات بزرگ اینچنینی را بخاطر جلوگیری از تفرقه و بی ثباتی خود بگیرند و عواقب آن را با تبلیغات مناسب و آماده کردن اذهان عامه کنترل کنند. ۱۲- هیچ تضمینی وجود ندارد که اگر بار دیگر هم قانون نهایی شود، ما مانند حالت فعلی (که نمیتوانیم قانون فعلی را تطبیق کنیم)، بتوانیم آن را تطبیق کنیم، بنابراین بهترین گزینه تطبیق همین

قانون و گزینه دوم تنها راه حل سیاسی است که موضوع ملت/تابعیت در کارت تفصیلی نوشته شود و صدور آن الزامی نباشد. ۱۳- در نهایت اگر باز هم موضوع به شورای ملی راجع می‌شود، فرمان تقنینی تنها در مورد نوشتن ملت/تابعیت را در کارت تفصیلی باشد و این را بگذارند که اگر شورا خود می‌خواست که این معلومات در روی تذکره برقی نوشته شود. مسوولیت عواقب بعدی را نیز آنها بگیرند. در کنار دلیل بالا این نقاط مهم نیز باید در نظر گرفته شود:

* ضمن تاکید مندرجات فوق، تاکید تعیین و تشخیص دقیق هويت فردی شهروندان تنها با توزیع تذکره الکترونیکی ممکن می‌گردد که یک نماد خوب اعتبار ملی به شمار می‌رود.

کابل:

موضع امریکا حاصل دیپلوماسی ماست

اسلام آباد:

پول امریکا صدقه در راه خدا نبوده است



حکومت وحدت ملی، در واکنش به اظهارات دونالد ترامپ گفته است «ایستادگی مردم و فداکاری نیروهای امنیتی و دفاعی افغانستان» سبب شده تا جامعه جهانی درک درست از وضعیت منطقه بیابند و «حقانیت» افغانستان را در مبارزه با تروریسم درک نمایند. شاه حسین مرتضوی، سرپرست دفتر سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان گفت که «آنچه که اتفاق افتاده حاصل سیاست خارجی فعال و موفق حکومت وحدت ملی است.» او تأکید کرده است که همکاری افغانستان با شرکای بین المللی اش به گونه منسجم ادامه خواهد یافت. دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در نخستین روز سال ۲۰۱۸ میلادی در توئیتر خود، پاکستان را به شدت مورد انتقاد قرار داد و سران این کشور را «دروغ گو» خواند. آقای ترامپ در یادداشت کوتاه خود نوشت: «در ۱۵ سال گذشته آمریکا، احمقانه بیش از ۳۳ میلیارد دلار به پاکستان کمک کرده است و آنان به جز دروغ و نیرنگ، به ما چیزی نداده و رهبران ما را احمق فکر کرده اند. آنان به دهشت افکنانی پناهگاه امن داده اند که ما با همکاری

بهراد

بخواهد که فشارهای شان را افزایش دهند تا پاکستان دست از فریب کاری بکشد و در مبارزه با تروریسم صادقانه همکاری کند.

محمد علم ایزدیار معاون اول مجلس سنا نیز گفت که اظهارات ترامپ مایه دلگرمی مردم افغانستان است. آقای ایزدیار ابراز امیدواری کرد که امریکا در مبارزه علیه تروریسم و حامیان آن جدی عمل کند.

انارکلی هنریار دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت که پیام رییس جمهور امریکا در مورد حمله پاکستان نشان دهنده آن است که آقای ترامپ از حمله پاکستان آگاه شده و امیدوار است که این موقف گیری ترامپ زمینه باشد تا تمامی کشورهای جهان بدانند که پاکستان حامی تروریسم است و در مبارزه با تروریسم فریبکاری می کند.

در همین حال، برخی سناتورهای می گویند که موقف ترامپ در برابر پاکستان را آن وقت باور می کنند که این نگاه موقف رسمی دولت امریکا گردد و این کشور به گونه واقعی دولت پاکستان را زیر فشار قرار دهد تا دست از حمایت از تروریسم بردارد.

جمعه الدین گیانوال گفت: «ترامپ دروغ می گوید ما به حرف او زمانی باور می کنیم که مراکز تروریسم را در پاکستان عملاً هدف قرار دهد؛ زیرا راهبرد جدید امریکا در قبال افغانستان هیچ تأثیری بر بهبود وضعیت در کشور نداشت و امریکا صادقانه بالای پاکستان فشار نیاورده است.»

نثار حارث دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت: «تا زمانیکه امریکا تعزیرات اقتصادی بالای پاکستان وضع نکرده و کمک هایش را قطع نکند، پاکستان دست از حمایت از تروریسم بر نمی دارد و اظهارات آقای ترامپ نیز در حد حرف باقی خواهد ماند.»

گفتنی است که اسلام آباد به تکرار اتهام چشم پوشی از شورشگری را رد کرده و ایالات متحده را به نادیده گرفتن قربانی شدن هزاران نفر و مصرف میلیاردها دلار در جنگ در برابر افراط گرایی در این کشور متهم کرده است.

راهبرد تازه آمریکا برای افغانستان و جنوب آسیا در ماه اگست گذشته اعلام شد. با اعلام این راهبرد، از پاکستان به صورت کم پیشینه بی انتقاد و این کشور متهم شد که به جای همکاری واقعی با امریکا و دولت افغانستان در مبارزه با تروریسم و شورشگری، به گروه های تروریستی «پناه» می دهد، اتهامی که پاکستان آن را رد می کند.

دو هفته پیش، مایک پنس، معاون رییس جمهوری امریکا، در دیداری از افغانستان، به پاکستان هشدار داد تا از پناه دادن به گروه هایی که با دولت افغانستان می جنگند، دست بردارد.

آقای پنس در سخنانی در جمع تعدادی از نیروهای امریکایی در افغانستان، هم چنین تأکید کرد که همکاری پاکستان با امریکا به نفع پاکستان است. او افزوده بود که پاکستان برای سالها به طالبان و گروه های تروریستی دیگر پناه داده است، اما آن دوران دیگر به سر آمده است.

اذعان کردند. واشنگتن بابت ناکامی اش در افغانستان تلو تلو می خورد. ما حاضریم جزئیات کمک امریکا و نحوه استفاده از آن را در هر نشست بیان کنیم. پاکستان هیچ اهمیتی برای حرف ترامپ که می گوید کمکمان نمی کند، قایل نیست چون خودمان گفته بودیم دیگر کمکی نمی گیریم.

در پی توثیق شب گذشته ترامپ، شاهد عباسی، نخست وزیر پاکستان با دیگر اعضای دولتش برای ارزیابی اتهامات ترامپ علیه اسلام آباد تشکیل جلسه می دهد. از سوی هم، به دنبال این پیام، حکومت پاکستان دیود هل، سفیر ایالات متحده در اسلام آباد را نیز احضار کرد. یک سخنگوی سفارت ایالات متحده در اسلام آباد گفته است که سفیر با مقام های پاکستان دیدار داشته است، اما افزود: «ما در مورد ماهیت این دیدار چیزی نمی گوئیم.»

وزارت خارجه پاکستان نیز در مورد جزئیات این دیدار چیزی نگفته است.

همزمان با این، حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور از اظهارات ترامپ در برابر پاکستان، استقبال کرده است. آقای کرزی که در چند سال اخیر روابط خوب با ایالات متحده نداشت و هرازگاهی پالیسی های آن کشور را در قبال افغانستان انتقاد می کند، با نشر اعلامیه یی گفته است که موضع اخیر رییس جمهور ترامپ در برابر پاکستان، تأیید موضع ۱۵ ساله افغانستانی ها است.

آقای کرزی افزوده است: «ما این اظهارات رییس جمهور ترامپ را استقبال می کنیم. پیشنهاد ما این است که در افغانستان جنگ متوقف شود و با همکاری مشترک کشورهای منطقه بر حاکمان نظامی پاکستان آن گونه فشار آورده شود که نتیجه آن صلح در افغانستان و منطقه باشد.»

رییس جمهور پیشین افغانستان، گفته است که او همواره تأکید داشت که پناهگاه ها و مکان های تروریستان در روستاها و خانه های شهروندان افغانستان نیست؛ بلکه خارج از این کشور است و بمباردها خانهای مردمان کشور مبارزه با تروریسم نه، بلکه کشته شدن بیشتر مردم این کشور است.

اعضای مجلس سنا افغانستان نیز از اظهارات ترامپ پشتیبانی کرده اند.

فضل هادی مسلم یار رییس مجلس سنا دیروز گفت: «نظر ترامپ در مورد پاکستان دستاورد مثبتی برای افغانستان است؛ این گپ ساده نیست که رییس جمهور امریکا باور پیدا می کند که پاکستان با امریکا فریب کاری می کند.»

آقای مسلم یار افزود، پیش از این با وجود آنکه مردم و دولت افغانستان همواره صدا بلند کرده اند که پاکستان در مبارزه با تروریسم امریکا را فریب می دهد، دولت امریکا این ادعا را قبول نداشت اما، اظهارات تازه ترامپ می تواند سر آغاز یک فشار عملی و جدی علیه پاکستان باشد.

مسلم یار از حکومت افغانستان نیز خواست که با استفاده از این فرصت از جامعه جهانی به ویژه امریکا

کم، آنان را در افغانستان هدف قرار می دهیم. دیگر بس است.»

حمدالله محب، سفیر افغانستان در امریکا، توییت رییس جمهور ترامپ را برای آن برخی از شهروندان افغانستان پیامی خوانده است که «از مدت طولانی به این سو به دست تروریستان پاکستانی به بدبختی» مواجه شده اند.

از سوی هم، خواجه آصف، وزیر خارجه پاکستان در واکنش به این اظهارات آقای ترامپ، آن را «بی اهمیت» خوانده است.

خواجه آصف، وزیر خارجه پاکستان در واکنش به هشدارهای تند ترامپ گفت، ارتش آمریکا از اراضی، جاده ها و خطوط راه آهن برای اهداف لجستیکی در راستای منافعش در افغانستان استفاده کرده است.

او به رییس جمهوری امریکا یادآوری کرد پولی که واشنگتن در اختیار اسلام آباد قرار می داد بابت «خدمات دریافتی» بوده و «صدقه در راه خدا» نبوده است.

وزیر خارجه پاکستان افزود: او (ترامپ) به جای اینکه ما را مسئول شکستش در افغانستان بداند، باید بقیه مسوولان این اتفاق را بگیرد که به شکست آمریکا در افغانستان

عطا محمد نور:

حکومت در پی نا امن سازی بلخ است



حکومت پیامد خوب ندارد و نباید به مسایل قومی دامن زده شود. آقای نور گفت: «همین که در پشت تذکره ما نوشته باشد (د افغانستان تابعیت تذکره) کافی است.»

او همچنان تأکید که حکومت به این دلیل می خواهد او را از ولایت بلخ کنار بزند که او مخالف تطبیق پروژه داعش از سوی حکومت در شمال افغانستان است.

این حرف آقای نور به نحوی متهم کردن حکومت به داعشی ساختن شمال افغانستان بود که پیش از این نیز از سوی رهبری جمعیت مطرح شده بود.

او گفت: «من مخالف تطبیق پروژه داعش از سوی حکومت هستم از همین رو مرا برای بادران خود بد معرفی می کنند و من برای شان مخرب هستم.»

اختلاف میان عطا محمد نور رییس اجرایی و والی برکنار شده بلخ و ارگ ریاست جمهوری، نگرانی های جمعی را نیز در افغانستان در پی داشته است. بسیاری از چهره های سیاسی خواستار خاتمه دادن به این جنجالها از طریق گفتگو تفاهم است که گفته شده است به تازه گی این قدم برداشته شده است.

اپراتیفی مصرف کنی برای ویران کردن شهر مزار توزیع می کنی. برت می گم، هر حرکتی بکنی دندان هایت را می شکنانم.» آقای نور می گوید که حکومت با پالیسی تقسیم جنگ و فقر قصد نا امن سازی بلخ را دارد. آقای نور این سخنان را دیروز در جمع از هوادارانش مطرح کرد و این پالیسی را کودکانه و احمقانه و ناشی از منطق ضعیف و مضحک خواند.

با این همه آقای نور می گوید که حکومت با تصمیم به برکناری اش از سمت والی بلخ را توطیه برای مجاهدین افغانستان می خواند و می گوید: «این توطیه بر سر چوکی ولایت بلخ نیست، بلکه در برابر جهاد مردم افغانستان است.»

تصمیم نهایی پس از گفتگوی ارگ و جمعیت آقای نور هم چنان گفت، او اکنون منتظر تصمیم گفتگوهای جمعیت با ارگ است و تأکید می کند که پس از این گفتگوها تصمیم نهایی اش را می گیرد.

آقای نور حکومت را به تفرقه اندازی نیز متهم کرد و گفت حلقه در ارگ ریاست جمهور در پی ایجاد شکافها میان مردم و اقوام افغانستان است. او گفت اقدام اخیر

عطا محمد نور، والی بلخ و رییس اجرایی حزب جمعیت اسلامی می گوید که تلاش هایی در کابل برای مسلح سازی افراد جریان دارد و هدف آن نا امن سازی بلخ است. به گفته او افرادی از ولایت های شمالی افغانستان به مهمانخانه های شوروی امنیت و ریاست امنیت ملی در منطقه وزیرابکرخان کابل انتقال داده می شوند و سپس برای آنان سلاح و پول توزیع شده و به ولایت بلخ فرستاده می شوند.

آقای نور می گوید که برخی ارگان های امنیتی افراد ولگرد و دوسیه دار را از ولایت های شمال به کابل انتقال می دهد و برای نا امن سازی بلخ به آنان پول و اسلحه توزیع می کند.

والی بلخ می گوید: «تو امنیت و یا شوروی امنیت، وزارت داخله و یا هر کسی که هستی! بیشتر این حرفا ارتباط می گیرد به امنیت ملی. تو که افراد ولگرد، دوسیه دار، جنایت کار را جمع می کنی و سلاح مینی که مثل مزار واری یک شهر را به آشوب بکشانی؛ تو چه دلیل داری در برابر قانون و ملت که پول بیت المال و سلاح کمکی خارجی ها را که باید در راه خوب و کارهای

محمد اکرام اندیشمند

بخش ششم

فیصله نامه ۱۷۶:

در سند مهم و سری کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که در سال ۱۹۹۲ پس از فروپاشی شوروی علنی گردید، مشاهده می شود که فیصله حمله نظامی به افغانستان در حلقه معدود ۹ نفر عضو بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتخاذ شد. این سند که به فیصله نامه ۱۷۶ معروف است، توسط «کنستانتین چرنینکو» به قلم نگاشته شده بود:

«سند (خیلی مهم) شماره ۱۷۶/۲۵ خیلی محرمانه - پرونده خاص رئیس جلسه ل.ای برژنف

اشتراک کننده گان: سوسلف، گریشن، گریلینکو، پیلشا، اوستینوف، چرنینکو، اندروپوف، گرومیکو، تیخانوف و پونوماریوف. مصوبه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

تاریخ ۱۹۷۹/۱۲/۱۱

پیرامون اوضاع در «آ» (افغانستان)

۱- شرحها و تدبیرهای ارائه شده از سوی رفقا اندروپوف، اوستینوف و گرومیکو تصویب گردد و به آنها اجازه داده شود در روند پیاده کردن این تدبیرها تصمیماتی را که خصلت اصولی نداشته باشند، وارد بیاورند. مسایلی که مستلزم اتخاذ تصمیم از سوی کمیته مرکزی باشند بانیست به موقع در دسترس دفتر سیاسی حزب گذاشته شود. انجام این تدبیرها به عهده رفقا اندروپوف، اوستینوف و گرومیکو گذاشته شود.

۲- به رفقا اندروپوف، اوستینوف و گرومیکو سفارش می شود تا دفتر سیاسی کمیته مرکزی را درباره روند تطبیق تدبیرهای در نظر گرفته شده مطلع سازند.

دبیر کل کمیته مرکزی ل.ای برژنف

آی ال - ۹۹۷ (۴۹)

نکته قابل بحث در فیصله نامه ۱۷۶ بیرونی سیاسی حزب کمونیست شوروی که منجر به تجاوز نظامی بر افغانستان شد، نقش و سهم برژنف رهبر سالخورده و پیر آن حزب و زمام دار شوروی است. «یوری گانکوفسکی» مدیر پروژه افغانستان در مؤسسه مطالعات شرقی از قول «رالف اولیانوفسکی» یکی از اعضای اداری کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که در جلسه مذکور حاضر بود، می گوید:

«گرومیکو از جلسه ریاست نمود و اوستینوف در رأس میز طویل پهلوی نشسته بود. اندروپوف در پهلوی میز نزدیک به دیوار جا گرفته بود. ده یا یازده نفر اعضای کمیته مرکزی در بیخ دیوار مقابل، یک اندازه دورتر نشسته بودند. تقریباً بعد از نیم ساعت استماع راپور ها که از طرف مشاورین قرائت می شد برژنف به اتفاق در آمد. گرومیکو از بازویش گرفت و همایش کمک نمود که بصورت لیزان دورا دور اتفاق بگردد و هر یک از اشخاص حاضر را در آغوش بکشد. وی چندین مرتبه به افتیدن نزدیک شد. بعد از آن گرومیکو در گوشش طوری نجوا نمود که حرفش بکلی شنیده می شد و به برژنف گفت:

«معلومات تازه به جلسه عرضه شده که نشان میدهد که امین تا چه حد بد، تا چه حد ماجراجو و تا چه حد غیر قابل پیش بینی است. برژنف برای دوسه دقیقه خاموش بود. بعد از آن دعتاً به پا ایستاد، مشت هایش را به میز کوفت و گفت: «مرد ناپاک» و از اتاق خارج شد.» (۵۰)

البته در مورد توافق وعدم توافق اعضای دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی به حمله نظامی از سوی بازماندگان آن تصمیم و برخی مقامات کمیته مرکزی حزب مذکور پس از فروپاشی شوروی دیدگاه های مختلف ارائه می شود. برخی همه مسئولیت را به گردن میخائیل سوسلوف عضو دفتر سیاسی می اندازند که گویا او برژنف را به ضرورت حمله بر افغانستان متقاعد کرد. عده ای این تصمیم را تنها ناشی از اراده برژنف میدانند. مارتین بابیست می نویسد:

«بلون شک رول اساسی را صرف چند تن از اعضای بیرونی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی همچون میخائیل سوسلوف، اندری گرومیکو، دمتری اوستینوف و یوری اندورپیف بازی کردند. بگفته اندری گرومیکو درست این یوری اندروپوف بود که دی یکی

طنز تلخ تاریخ خونین معاصر افغانستان؛

مهمانان کشور شوراها رفیق میزبان خود را می کشند!

حفیظ الله امین چگونه از مهمانان قاتل خود میزبانی کرد؟



از اتاق ها با بدن نیمه برهنه به روی زمین افتاده بود. فک و چانه اش آویزان شده بود و چشمانش بی نور و سفید چیزی را نمی دیدند. نشانه ای از هوش در وجودش دیده نمی شد. در یک سخن در کومای مدهشی فرو رفته بود. پزشکان از خود می پرسیدند آیا او مرده است؟ نبض هایش را دیدند به آهستگی میزدند به طوریکه به بسیار دشواری احساس می شد. گویا اینکه در میان مرگ و زندگی میخکوب شده بودند. سرهنگ کوزنچنکف و سرهنگ الکسی یف با نجات «رهبر کشور دوست» طرح های کی جی. بی را برهم میزنند. و امین تا ساعت شش شام به خود آمد و با شگفت زدگی پرسید: چرا درخانه ما چنین چیزی رخ داده است؟ چه کسی این کار را کرده است؟ آیا تصادفی است یا کدام توطئه؟ این واقعه افسران مسئول امنیت (جانداد و اقبال) را خیلی پریشان ساخته بود. آنها به قوای چهارم زرهدار زنگ زدند تا به آنان بگویند که برای کمک آماده باشند مگر از هیچ جا کمک دریافت نمی توانستند. چون کماندو های ما کاملاً یگانهای (قطعات) نظامی و امنیتی (دولت) مستقر در کابل را در محاصره خود داشتند.» (۵۶)

یورش ۳۳۳ در شامگاه ششم جدی:

حفیظ الله امین زمانی به هوش آمد که عملیات نظامی نیروی های شوروی غرض سرنگونی حکومت او آغاز یافته بود. قوای مهاجم بعد از ظهر ششم جدی (۲۷ دسمبر) در سه قطار بسوی مرکز شهر، تپه تاج بیک و استقامت پلچرخ حرکت کردند. شوروی ها در نخستین گام مرکز مخابرات را در شهر منفجر نمودند و قبل از حمله به کاخ کلیه روابط میان قطعات ارتش و محل اقامت امین را مختل کردند. نیروی های مهاجم به قصر اقامت امین بوسیله واحد ها یا جزو و تام های ویژه کی جی بی که قبلاً در کاخ تپه تاج بیک محل اقامت امین، دارالمان و سفارت شوروی جا بجا شده بودند کمک می گردیدند:

«این جزو تام ها (یگانها و واحد ها) هیچ تفاوتی با یک جزو تام افغانی نداشتند. افراد آن که ملبس با یونیفورم افغانی بودند، اطراف قصر را مین گذاری کردند. آنها سازماندهی و چگونگی تبدیل پهره داری قصر امین را میدانستند. محافظین امین را به چهره می شناختند. از خصوصیات سیستم مخابراتی و تجهیزات مخابراتی شان نیز آگاه بودند. در پهلوی آن، ساختمان داخلی قصر و نقشه اتاق های داخل قصر را نیز میدانستند. قطعات مهاجم «الفا» را «نیکولای بریلیف» و «زینت» را «بویارنیف» از افسران کی جی بی فرماندهی میکردند. این قطعات چند عراده ماشین مخابراتی و دستگاه «شلیکا» در اختیار داشتند. هجوم به کاخ امین بنام «یورش ۳۳۳» در شامگاه ۲۷ دسمبر ۱۹۷۹ (ششم جدی ۱۳۵۸) ساعت ۶ و ۲۵ دقیقه آغاز یافت.» (۵۷)

به نوشته مؤلف توفان در افغانستان: «برای افراد و پرسونل کندک مسلمانان توضیح داده بودند که امین به انقلاب شور خیانت کرده و به زدو بند با سی آی ای پرداخته است. راستش این توضیحات را کمتر کسی از سربازان و افسران می توانستند بپذیرند و از خود می پرسند پس چرا امین سپاهیان ما را دعوت کرده است نه سپاهیان آمریکایی را؟!» (۵۸)

هنوز پزشکان شوروی امین را ترک نکرده بودند که آتش نیروهای شوروی کاخ را به لرزه آورد. در حالیکه امین با خانواده اش در اتاق های داخل کاخ نمیدانستند که مهاجمین چه کسانی هستند، نیروهای گارد محافظ او در محوطه و اطراف قصر با قوای شوروی به نبرد پرداختند. مقاومت نظامیان گارد امین به زودی درهم کوبیده شد و مهاجمین برای نابودی امین داخل ساختمان اصلی کاخ گردیدند.

دسته های دیگری از نیروهای مهاجم که بسوی مرکز شهر و استقامت پلچرخ پیش رفتند تا ساعات اولیه شب مراکز مهم دولتی به شمول رادیو تلویزیون و زندان پلچرخ را تصرف کردند. یورش نیروهای شوروی در برخی مراکز نظامی و دولتی به مقاومت رویو شد. این مقاومت ها که به قتل ده تن از قوای مهاجم انجامید بصورت پراکنده و بدون دریافت رهنمود و فرمانی از سوی امین و مقام های مسئول در حکومت او صورت گرفت. چون دستور و هدایت حفیظ الله امین به ارتش، برادری و همکاری با نیروهای اتحاد شوروی بود نه مخالفت و مخاصمت.

به نمایندگی از رهبری دولت شوروی به او اطمینان محکم داده است که دولت شوروی بقدر ویتنام به افغانستان مساعدت تخنیک، نظامی و مالی میسراند و کشور ما را در مقابل دخالت و مداخله پاکستان و دیگر کشورهای منطقه تنها نمیگذارد.» (۵۵)

حفیظ الله امین در حالی به اعضای دفتر سیاسی حزب دمکراتیک خلق از کمک های نظامی و مالی شوروی اطمینان میداد که آشپز روسی اش در آشپز خانه مصروف زهر آلود ساختن غذای او بود و نیروهای شوروی در بیرون از کاخ، خود را برای انجام یک عملیات نظامی غرض سرنگونی حکومت موصوف آماده میکردند. طرح مسمومیت امین توسط دیپارتمنت هشت کی جی بی تحت رهبری اندروپوف رئیس کی جی بی اتخاذ گردیده بود. این دیپارتمنت یکی از اعضای کی جی بی را بنام «تالییوف» به عنوان آشپز وارد قصر امین ساخت. در حالی که پلان مسمومیت امین توسط آشپز شوروی او در ظهر بیست وهفتم دسمبر (۶ جدی) با مؤفقیقت عملی شد و امین پس از صرف نهار در بیهوشی و کوما رفت، پزشکان شوروی در بی خبری از برنامه عملیات سرنگون سازی، او را تا شروع عملیات نظامی به هوش آوردند. خیر مسمومیت امین و اعضای دفتر سیاسی حزب از سوی جانداد فرماندان گارد قصر به اطلاع ژنرال ولایت رئیس شفاخانه چهارصد بستر ارتش رسید. ژنرال مذکور به عجله بسوی محل اقامت امین شتافت و سر طبیب شفاخانه چهارصد بستر را غرض انتقال پزشکان شوروی مؤظف ساخت. سرطبیب چهارصد بستر، دگروال «ویکتور کزنیچنکف» متخصص امراض داخلی را با یک متخصص بیماری های میکروبی و دگروال «اناتولی الکسی یف» سرطبیب گروه دکوران نظامی شوروی را در شفاخانه چهارصد بستر به کاخ تپه تاج بیک آورد. آنها در حالتی وارد قصر امین شدند که بر خلاف ساعات قبل از ظهر، نگرانی و اضطراب شدید در داخل کاخ بمیان آمده بود. امین با تمام اعضای بیرونی سیاسی حزب دمکراتیک خلق به استثنای دستگیر پنجشیری، امین با اعضای دفتر سیاسی در مورد ایراد بیانیه بمناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس حزب دمکراتیک خلق و ملاقات خود با «فکرت تابییف احمد جانویچ» سفیر شوروی به صحبت پرداخت. امین به اعضای بیرونی سیاسی گفت: «سفیر شوروی

بویارنیف یکجا با کندک مسلمانان مخفیانه از ۹ تا ۱۲ دسمبر به کابل انتقال دادند و برای این کار پرواز های متعددی انجام یافت. در آخر هفته اول دسمبر، شب هشتم دسمبر غند(هنگ) ۱۰۵ دیسانت هوایی به کابل اعزام گردید تا فرودگاه نظامی بگرام را تحت کنترل گرفته از آن پاسبانی کند.» (۵۳)

روز ۲۵ دسمبر ۱۹۷۹ هزاران تن از نیروهای ارتش سرخ از راه زمین وارد افغانستان شدند. یک روز قبل مارشال اوستنوف وزیر دفاع شوروی دستور و رهنمود اعزام نیروی نظامی به افغانستان را امضا کرد. دراین رهنمود هیچ توضیحی از تقاضای حکومت افغانستان به ورود قوای شوروی و هیچ تذکری از مطابقت اعزام نیرو به ماده ۵۱ منشور ملل متحد داده نشده بود. بر عکس در دستور و رهنمود اعزام نیرو، به انگیزه های آیدئولوژیکی تأکید بعمل آمد که در آن گفته شد: «تصمیم گرفته شده است برخی از سپاهیان مستقر در نواحی جنوب کشور، به مقصد ارایه کمک انترناسیونالیستی به خلق دوست افغانستان و همچنان فراهم آوردن زمینه های مساعد برای جلوگیری از اقدامات محتمل ضد افغانی از سوی کشورهای امپریالیستی و کشورهای همسایه به قلمرو جمهوری دمکراتیک افغانستان فرستاده شود.» (۵۴)

حمله نیروهای شوروی:

تا سحرگاه ششم جدی ۱۳۵۸ (۲۷ دسمبر ۱۹۷۹) بوسیله صد ها پرواز هوایی، پنج هزار تن از نیروهای فرقه ۱۰۳ کماندو، وارد فرگاه کابل و بگرام شدند. تا ظهر این روز نیروهای زرهی فرقه ۱۰۸ که روز ۲۵ دسمبر با عبور از فرزاد آمو راه کابل را در پیش گرفته بودند، وارد حومه پایتخت گردیدند و با نیروهای کماندویی فرقه ۱۰۳ ارتباط برقرار ساختند. مشاورین شوروی در قطعات ارتش افغانستان ورود این نیروها را انجام تمرینات نظامی وانمود میکردند. هیچ گونه حالت اضطراب و نگرانی جدی در داخل دولت در کابل به چشم نمی خورد. امین ظهر آنروز در کاخ تپه تاج بیک میزبان اعضای دفتر سیاسی حزب دمکراتیک خلق بود. به قول دستگیر پنجشیری، امین با اعضای دفتر سیاسی در مورد ایراد بیانیه بمناسبت پانزدهمین سالگرد تأسیس حزب دمکراتیک خلق و ملاقات خود با «فکرت تابییف احمد جانویچ» سفیر شوروی به صحبت پرداخت. امین به اعضای بیرونی سیاسی گفت: «سفیر شوروی

دهه شصت هم‌زمان است با کودتای چپ و آمدن نظامی به شیوه سوسیالیستی. در این حالت، داستان‌نویسی افغانستان در چند جهت به مسیر خود ادامه می‌دهد. برخی داستان‌های عاشقانه، گروهی داستان‌های آرمان‌گرایانه که مورد پسند سیاست‌پسندان و وقت بوده و عده‌ی هم با داستان‌های تخیلی و درون‌گرایانه سر و کار داشتند که بزرگ ارغند، حسین فخری، اسدالله حبیب، قدیر حبیب، عالم افتخار و چند تن دیگر از نمایندگان داستان‌نویسی آرمان‌گرایانه معرفی شدند و مستقیم و غیرمستقیم مورد تشویق زمام‌داران چپ‌گرای وقت نیز بودند.

بزرگ ارغند در این دهه رمان سه جلدی «راه سرخ» (۱۳۶۳)، حسین فخری رمان «تلاش» (۱۳۶۷) اسدالله حبیب «داس‌ها و دست‌ها» (۱۳۶۲) و قدیر حبیب داستان بلند: «کاوه کوچک» را می‌نویسند. همه این داستان‌ها: آرمان‌گرایانه، تبلیغاتی و جانبدارانه‌اند. اما در دهه هفتاد، دکتر بزرگ ارغند و حسین فخری به واقع‌گرایی سوسیالیستی پشت می‌کنند و دست به نگارش آثاری می‌زنند که از نگاه درون‌مایه و پرداخت، شیوه تازه‌ی را گواهی می‌دهند. این داستان‌ها، صرف نظر از درون‌مایه آن تلاش جدیدی است در رمان‌نویسی ما و به باور برخی از صاحب‌نظران، آغاز دیگری در شیوه رمان‌نویسی است.

در این سال‌ها از بانوان نویسنده، آثار سپوژمی زریاب منتشر شد؛ او ابتدا داستان‌های کوتاه «رستم‌ها و سهراب‌ها» و «دشت قابیل» را نوشت و سپس رمان «در کشوری دیگر» را در سال ۱۳۶۷ هـ. ش، منتشر کرد.

تأسیس اتحادیه نویسنده‌گان افغانستان در حوالی سال‌های شصت و گردهم‌آیی هنرمندان در یک مرکزیت و دید و بازدیدشان از هم‌دیگر تأثیر زیادی بر رشد و شکوفایی رمان و داستان‌نویسی در کشور داشت و در آن زمان همکاری نهادهای دیگر مانند رادیو تلویزیون، و همکاری طیف خواننده‌گان و شنونده‌گان برای گسترش داستان و رمان‌نویسی نقش به‌سزایی داشت و از این طریق داستان‌ها در مدارس و مکتب‌خانه‌ها و حتی مراکز نظامی راه پیدا کرد و این باعث شد که حتی سلطان علی کشتمند، نخست وزیر وقت، داستان «ثمره دوستی» را نوشته و به دست نشر سپرد. با تشکیل اتحادیه نویسنده‌گان، هنر و ادبیات بیشتر رنگ حزبی و سیاسی گرفت و این خود گامی مهمی برای رژیم بود که نویسنده‌گان مطابق به خواست رژیم قلم می‌زدند. «این اتحادیه با هدایت و بودجه دولت و به تقلید از اتحادیه‌های مشابه در جمهوری‌های شوروی ساخته شد و اعضای اصلی آن مقامات حزبی و دولتی وقت بودند مانند: سلیمان لایق، بارق شفیعی، دستگیر پنجشیری، عبدالله نائبی...» (۱۱)

در اول حکومت کمونیستی، تقریباً ادبیات و به‌ویژه داستان‌نویسی، حول محور آرمان‌های رژیم می‌چرخید؛ و این حالت تا زمان زمام‌داری دکتر نجیب‌الله ادامه داشت. با روی کار آمدن نجیب‌الله تا حدودی برای نویسنده‌گان آزادی داده شد و ادبیات سیر رشد و شکوفایی خود را دوباره از سر گرفت؛ اما در اوایل دولت کمونیستی به گفته حسن فضایی «سعی دولت کمونیستی در زمان بزرگ ارغند در جهت تمرکز نیروی فکری نویسنده‌گان در جهت همگون‌سازی با آرمان‌های دولتی بود و نویسنده‌گان جوان هم تحت تأثیر فضای موجود به خصوص آثاری که از زبان روسی ترجمه می‌شد و بیانگر اصول ریالیسم از نوع سوسیالیسم آن بود. آثاری به وجود می‌آوردند که دارای ماهیت آرمان‌گرایانه و شعارگونه بودند و تمام نوجوانان را در راه معرفی و دفاع از زنده‌گی کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و... صرف می‌کردند.» (۱۱)

پس از دوره حاکمیت بزرگ ارغند، فضای نسبتاً مناسبی برای نویسنده‌گان به وجود آمد. بعد از دهه شصت، یعنی در زمان حکومت دکتر نجیب‌الله، آثار ادبی و هنری زیادی تولید شد و کتاب‌های زیادی منتشر گردید. اکثر نویسنده‌گان دوره حکومت دوکتور نجیب به‌ویژه از سال‌های ۶۶ تا ۷۰ را به عنوان یک دوره کاملاً طلایی و استثنایی برای ادبیات و فرهنگ این سرزمین و آزادی

نویسنده‌گان و مطبوعات یاد کرده‌اند. نویسنده‌گانی که تحت تأثیر فضای سیاسی هنرشان را در خدمت سلاطین در آورده بودند، راه خود را از گذشته جدا کرده و به «توبه ادبی» روی می‌آوردند. این نویسنده‌گان با نوشتن آثار جدید، عملاً آثار گذشته خود را نفی کرده و به تجربه آرمان‌های جدید و مدرن می‌پردازند.

برخی از نویسنده‌گان برجسته کشور، پس از دو سه دهه کار ادبی، اولین کتاب خود را چاپ می‌کنند و سپس با چاپ کتاب‌های دیگرشان به آرزوی خود جامه عمل می‌پوشانند. هم‌چنین مطبوعات کشور، کم و بیش به اندیشه‌های دیگر میدان می‌دهند.» (۱۳)

در این دوره، نقد داستان نقش اساسی‌ای در بالنده‌گی ادبیات داستانی ما داشت

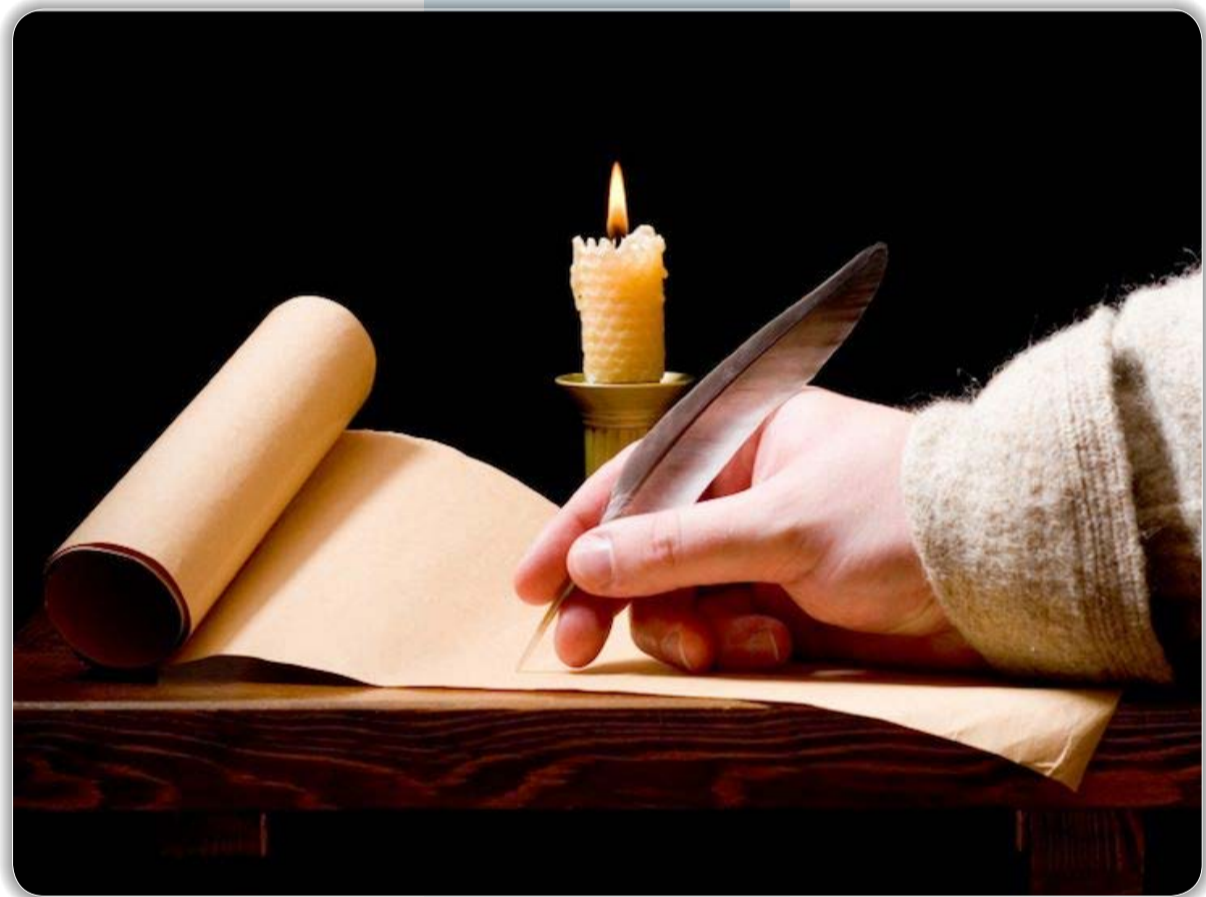
هر جای دنیا که آواره شدند، از تلاش و کوشش‌شان برای زنده نگه‌داشتن ادبیات داستانی دست نکشیدند و سعی کردند که این شمع مثل گذشته روشن بماند، اما بحران‌های اجتماعی و مشکلات ناشی از جنگ و تلخ‌کامی‌های نویسنده‌گان ما فضای ادبیات و فرهنگ را دچار رکود و انجماد ساخت، و آثار این دوره بیشتر بازتاب‌دهنده ناراحتی‌های شخصی و دردها و مسایل اجتماعی کشور است. در پی مهاجرت‌های مردم افغانستان به کشورهای مختلف، جمعی از نویسنده‌گان و شاعران که به اجبار تن به مهاجرت داده بودند، در کشورهای همسایه، کانون نویسنده‌گان مهاجر را ایجاد کردند؛ به‌ویژه بعد از سال ۱۳۷۱ تقریباً همه نویسنده‌گان، آثار برجسته‌ی را به دست نشر سپردند.

از تأثیر‌گزارترین حوزه‌های ادبیات مهاجرت افغانستان هستند، نویسنده‌گان ما توانستند کانون‌های نویسنده‌گی و ادبی مهاجرت را ایجاد کنند؛ در حالی که این ظرفیت برای نویسنده‌گان که ساکن غرب و اروپا بودند وجود نداشت و ندارد؛ برای همین ادبیات ما در این دو حوزه مهم مهاجرت پر بارتر و قوی‌تر است.

اما برای نویسنده‌گان ما که در غرب ساکن هستند، کمتر ظرفیت گردهم‌آیی وجود داشته است؛ البته این نویسنده‌گان هم هیچ‌گاه از تلاش دست نکشیدند و مجله‌هایی را در اروپا، کانادا، استرالیا و امریکا منتشر کردند. نویسنده‌گانی چون: حبیب و کریم میثاق در انگلستان، قادر مرادی در هالند و قدیر حبیب در جرمنی، مریم محبوب و زلمی بابا کوهی در کانادا،

وضعیت داستان

و رمان‌نویسی در افغانستان



سید سکندر حسینی // // // // // بخش دوم

در این دوره، یکی از حوزه‌های مهم ادبی، مهاجرت افغانستان در ایران است. بنا به گفته سید اسحاق شجاعی: «در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ به‌ویژه با تشکیل «دفتر هنر و ادبیات افغانستان» جدی‌تر و پیگیرتر به میدان آمد و با حضور خود در مطبوعات، در بین مردم راه یافت. نویسنده‌گان مهاجر در ایران، یا در نوجوانی از افغانستان بیرون شده‌اند و یا در ایران به دنیا آمده‌اند. به همین دلیل نویسنده‌گی را در ایران شروع کرده‌اند. طبیعی است که معلومات‌شان از فرهنگ و مردم و حوادث کشورشان کم است. اما این نویسنده‌گان با ادبیات داستانی ایران مستقیماً در تماس هستند؛ آثار برجسته‌ترین نویسنده‌گان ایرانی و ترجمه‌های خارجی را در اختیار دارند؛ با تئوری‌های جدید ادبی آشنایی بیشتری می‌یابند و از امکانات و فضای رو به تحول فرهنگی ایران استفاده می‌برند. به همین دلیل آثار این نویسنده‌گان آمیخته از ضعف‌ها و قوت‌های آشکار است. (۱۵)

اکرم عثمان در سویدن و حسینی و مهرین در آلمان نویسنده‌گانی هستند که دوره جوانی را پشت سر گذاشته‌اند و آواره‌گی، روح و روان‌شان را تخریب می‌کنند. این نویسنده‌گان کمتر دست به قلم می‌برند و در هیاهوی کشورهای بزرگ گم می‌شوند.» (۱۶)

با توجه به مفاهیم فوق، نویسنده‌گان با نوشتن مجموعه‌های داستانی، ادبیات مهاجرت را هم از لحاظ مضمون و موضوع با توجه به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دنیای مهاجرت به وجود آوردند مثلاً: از مجموعه‌های داستانی که از نویسنده‌گان ما در ایران انتشار یافته است و آنها را سید اسحاق شجاعی چنین بر شمرده است: «پرواز ستاره» از محمد حسین رضایی، «داستان‌های امروز افغانستان» از محمود خوافی، «سال‌های برزخ و باد» از سید اسحاق شجاعی، «عصرشب» از احمدشاه فروزان، «جلجتا» از ناصر فروزان، «مهاجران فصل دلتنگی» از سید اسحاق شجاعی، «کتاب‌فروشی دیوانه» حیدری، «دشت قابیل» از سپوژمی زریاب، «قلعه‌ای از بهشت» از علی پیام، «برف شجاعی و میلاد بلخی، «سنگ ملامت» از محمد جواد خاوری و علی پیام، «گریده ادبیات معاصر» از محمد جواد خاوری، «پروانه‌ها و چادرهای سفید» از محمدحسین

محمدی، «در گریز گم می‌شویم» از محمد آصف سلطان‌زاده، «نوروز فقط در کابل باصفا است» از محمد آصف سلطان‌زاده، «خاکستر و خاک» از عتیق رحیمی، «جای خالی گل‌دان» از تقی واحدی، «سربداران» از بتول سید حیدری، «سنگ و سیب» از حسین حیدریگی، «چنین آفتاب» از صدیقه کاظمی، «سایه‌های مهتاب» از آمنه محمدی، «پشت پلک ثریا» شهریار آرمان و «هوا بوی خاک می‌دهد» از سکینه محمدی.» (۱۷)

در اروپا و امریکا هم مجموعه‌های داستانی از نویسنده‌گان افغانستانی انتشار یافته است که به گونه نمونه می‌توان از «سنگ‌سازان گنه‌کار» از شریفه شریف، «نگین» و «ستاره» از پروین پژواک، رمان «کوچه ما» از اکرم عثمان، «بادبادک باز» از خالد حسینی و... نام برد. در حوزه ادبی پاکستان هم نویسنده‌گان ما، ده‌ها مجموعه داستانی را به دست نشر سپرده‌اند. نویسنده‌گانی که در این سه حوزه بعد از سال ۱۳۷۱ ش مترکز شده بودند، همه‌گی در برابر جنگ و برادرکنشی ایستاده بودند و جبهه واحدی را در برابر ویرانی و تباهی کشور تشکیل داده بودند؛ هرچند این نویسنده‌گان در گذشته از هم تفاوت داشتند. مثلاً عده‌ی از نویسنده‌گان حوزه پاکستان و اروپا پیش از سال ۱۳۷۱ ش از حاکمیت رژیم چپ حمایت می‌کردند و عده‌ی از نویسنده‌گان حوزه پاکستان و ایران از مبلغان گروه‌های جهادی و مقاومت بودند. اما این وضعیت بعد از سال ۱۳۷۱ شکل دیگری به خود گرفت. نویسنده‌گان ما در این زمان، همه‌گی و از هر گروه فکری در کنار هم دیگر ایستادند و در برابر جنگ و خون‌ریزی و چپاول قلم زدند و همه این بدبختی‌ها را در آثارشان به عنوان یک پدیده شوم یاد کرده‌اند. خصوصاً در زمان حکومت طالبان، تمام نویسنده‌گان ما در کشورهای همسایه مثل ایران، پاکستان و کشورهای آسیای میانه و نقاط دور جهان آواره می‌شوند و همه‌شان پدیده شوم جنگ را دیده‌اند و حتا عده‌ی از آنها قربانی این هیولای وحشت‌ناک گشته‌اند؛ با این حال، همه این گروه‌های مختلف در کنار هم ایستاده و با این هیولا مبارزه کردند.

در این زمان، نویسنده‌گان به مسایلی چون عدالت، حقوق بشر، آزادی... می‌پردازند. جنگ و جنگ‌سالاران را نکوهش می‌کنند و بیشتر نویسنده‌گان این مسایل و موضوعات را با توجه به عناصر زیبایی‌شناختی ادبیات در نظر دارند و یگانه دغدغه فکری نویسنده‌گان در این دهه، مردم و سرزمین‌شان است که در میان آتش و دود می‌سوزند.

به هر حال، نویسنده‌گان بعد از سال ۱۳۷۱ به خود می‌آیند، بر غفلت‌ها و کج‌روی‌های‌شان تأمل می‌کنند. و اراده همه نویسنده‌گان، پس از این پیمودن راه جدید است تا بتوانند حقایق را در لباس تخیل بر قالب داستان بیان کنند و راه جدیدی در پیش گیرند. چون نویسنده‌گان در این دوره تجربه‌های تلخی را پشت سر گذرانده‌اند، موزه تلخی مهاجرت، سرگردانی و بی‌خانمانی و مشکلات زیادی را دیده‌اند. دیگر آنچه داستان نویس ما می‌نویسد: بیان حوادث اجتماعی، تحلیل و تفسیر آن است. دیگر از پرداختن به ایدئولوژی و تبلیغ و شعار خسته شده‌اند. در واقع ادبیات تبلیغی و شعاری و ایدئولوژی‌زده‌گی ما، برای جامعه و مردم هیچ سودی نداشت. بعد از سرنگونی طالبان، باب جدیدی به روی داستان‌نویسان کشور گشوده شد. عده زیادی از داستان‌نویسان کشور چون: رهنورد زریاب، علی پیام، خالد نویسا، حسین فخری، محمد جواد خاوری، سپوژمی زریاب، سید اسحاق شجاعی، تقی واحدی و... به کشور برگشتند و مشغول فعالیت‌های ادبی و هنری‌شان شدند. در حقیقت، بعد از سرنگونی رژیم طالبان، امیدهای به آینده کشور و فرهنگ این سرزمین پیدا شد. طبعاً این وضعیت در داستان‌نویسی کشور نیز تأثیر گذاشته است و این امر سبب آن می‌شد تا داستان‌نویسان جدیدی وارد میدان داستان‌نویسی و داستان‌پردازی می‌شدند.



احمد ولی مسعود در برنامه مناظره تلویزیون خصوصی آریانا نیوز:

قطب‌بندی‌های زبانی و قومی به اوجش رسیده است

ابوبکر صدیق

احمد ولی مسعود رییس عمومی بنیاد شهید مسعود و رییس جریان آجدای ملی، در برنامه مناظره تلویزیون خصوصی آریانا نیوز که در رابطه به بن بست حکومت وحدت ملی و جریان‌های سیاسی برگزار شده بود، از برنامه قومی آقای غنی و نیز از متمرکز شدن فساد در ارگ، به شدت انتقاد کرد. در این برنامه، هارون چخان سوری به نماینده‌گی از رییس جمهور غنی، و ستار مراد به نماینده‌گی از حزب جمعیت اسلامی حضور داشتند.

آقای مسعود در این برنامه گفت: بدون تردید که کشورهای بیرونی با در نظر داشت منافع خود با افغانستان روابط خود را ایجاد کرده‌اند و رابطه خارجی، هنر حکومت افغانستان نبوده است؛ افغانستان سیاست خارجی مدون به اساس اصول ندارد تا دوست دشمن را تفکیک کند و دستگاه دیپلوماسی در بیرون از کشور به اساس آن عمل کند. چون افغانستان فاقد یک سیاست خارجی مدون است و کثرت رابطه‌ها با آن‌که از یک طرف خوب است، از طرفی سبب جنگ‌های نیابتی در کشور شده است. همه روزه گروه‌های داعش و طالب مردم را می‌کشند که از طرف همین کشورها حمایت می‌شوند. چون حکومت افغانستان فاقد تعادل در سیاست خارجی است به همین سبب همه روزه این جنگ‌ها شدیدتر می‌شوند. سران حکومت یک‌مرتبه از پاکستان مژده صلح را می‌دهند و روز دیگر از هندوستان، از این پالسی چه توقع دارید که پاکستان چه باید بکند، مطمئناً که طالبان را تقویت می‌کند. سیاست خارجی شباهت به شمشیر دولبه دارد، اگر توانستیم در چارچوب مدون آن را تنظیم کنیم بهتر، اما اگر نتوانستیم به عنوان یک وعده باقی می‌ماند.

رییس جریان آجدای ملی با اشاره به چالش‌های کنونی حکومت وحدت ملی گفت: در سه سال اخیر عمر حکومت وحدت ملی قطب‌بندی‌های زبانی، قومی و فساد به اوج رسیده است. در این شکی نیست که در حکومت کزری فساد به شکل پراکنده وجود داشت، اما در حکومت کنونی فساد به شکل متمرکز در ارگ جمع شده است و از طرف رییس جمهور و تیم‌اش صورت می‌گیرد. در ارگ ثروت جمع می‌کنند، قدرت را انحصار می‌کنند و تمامیت خواهی دارند. مگر این طور نیست؟ شما می‌بینید که معاون رییس جمهور در تبعید به سر می‌برد، رییس اجرایی می‌گفت که سه ماه شده است که رییس جمهور را ندیده است؛ هنوز هم صلاحیت ندارد. وزارت خارجه نمی‌تواند دستگاه دیپلوماسی را فعال داشته باشد و از منبع دیگری یعنی

ارگ تنظیم می‌شود.

آقای مسعود با اشاره به گسترش فساد در کشور می‌گوید که در افغانستان فساد ساختاری وجود دارد. قدرت مطلق فساد مطلق می‌آفریند. در افغانستان یک نفر قدرت را در قبضه گرفته است و هم‌روزه فساد از این مجرا جوانه می‌زند. اگر حکومت تصمیم مبارزه با فساد را داشت، چرا مفسدان کلان حکومت حامد کزری را محاکمه نکرد؟ نه تنها که محاکمه نشدند، بلکه آمدند در سمت‌های مشاوریت جابجا گردیدند. کسانی که در انتخابات تقلب کردند، فساد کردند. از این فساد کلان‌تر کجاست که به سرنوشت مردم شما خیانت بکنید. اما تقلب کارها به عنوان مشاور، رییس و سفیر و... گماشته شدند. حکومت در مورد مبارزه با فساد و سیاست خارجی دروغ می‌گوید. اگر حکومت از دست آورد سخن می‌زند نتیجه آن باید سر دسترخوان مردم نان می‌بود، ده‌ها هزار جوانان فرار نمی‌کردند و آموزگاران که بیشترشان بانوان هستند بی‌معاش نمی‌بودند.

او خاطر نشان ساخت: اگر مسایل را ریشه‌یابی بحث کنیم، می‌بینیم که این حکومت بحران مشروعیت، بحران اشتراک، بحران هویت، بحران قانونیت و رهبری دارد، بناً تمام این چالش‌ها زیربنایی هستند تا زمانی این چالش‌ها و گروه‌ها را حل نکنیم، ممکن نیست که به چالش‌های پیش‌رو بپردازیم.

احمد ولی مسعود در پاسخ به هارون چخان‌سوری نماینده ویژه ریاست جمهوری در این بحث، گفت: ماهیت جنگ تغییر کرده است، افزود: این تغییر ماهیت درست است که جنگ از جنوب به شمال رفته است، اکنون تمام داعش و طالب در شمال هستند. این دست آورد نیست. انتحاری بیشتر شده است که اخیراً در یک محفل ۷۰ تن از برادران اهل تشیع شهید شدند. در ۵ کیلومتری ارگ هم نمی‌توانید امنیت بگیرید، در فساد اسناد می‌خواهید، تقلب کار، فاسد است، چرا با تقلب‌کاران انتخابات برخورد قانونی صورت نگرفت؟ وزاری که در حکومت پیشین به گفته خود اشرف غنی فاسد بودند، در حکومت فعلی در جایگاه‌های بلند قرار گرفتند و «مخکش»‌ها از داخل دولت به موضوعات قومی دامن می‌زنند.

رییس عمومی بنیاد شهید مسعود در پاسخ به این پرسش که چند تن را نام‌بیرید که در ارگ با ابراز قومی قدرت را در دست‌شان گرفته‌اند، توضیح داد: دکتر اشرف غنی مثال زنده است. کی در افغانستان انکار می‌کند که دکتر اشرف غنی در مقام ریاست جمهوری ذهنیت قومی ندارد؟ او خطاب به چخان‌سوری، نماینده رییس‌جمهور گفت:

شما این پرسش را از رییس جمهور مطرح کنید که چرا به بحث‌های قومی را دامن می‌زند و افزود: زمانی که لویه‌جرگه به درازا کشید، اشرف غنی در محضر ۲۰ تن مرا خطاب قرار داد، گفت: «جناب سفیر صاحب! یادتان باشد هر زمانی که من به قدرت برسم، توسط قوم یا شمشیر یا توسط خارجی‌ها شما مردم را از این کشور بیرون می‌کنم». همان روز کزری صاحب مرا دعوت کرد از سخنان غنی از من پوزش خواست و گفت «معذرت می‌خواهیم بسیار معضرت می‌خواهیم...» او

احساسات شان استفاده شده بود،» پس مردم افغانستان کیستند؟ پرسش من این است که اگر می‌خواهید به اساس قانون تعیین تکلیف کنید، حکومت شما چرا تعیین تکلیف خود را روشن نمی‌کند تا منبع مشروعیت خود را پیدا کنند. دو سال وقت داشتند تا توافق‌نامه حکومت وحدت ملی را عملی کنند. چرا نکردند و حالا منبع مشروعیت‌شان کجاست؟ حکومت وحدت ملی به اساس قانون اساسی نیامده، قانونیت و مشروعیت ندارند. ۸۰ درصد مردم از این حکومت ناراض هستند و کارایی‌شان نیز به



اندازه نیست مردم دلخوشی داشته باشند. اما من دقیق نمی‌دانم که می‌گویند که ما به نیابت از مردم افغانستان، یعنی چه؟ مردم افغانستان! شما از کجا آمدید که از مردم افغانستان نماینده‌گی می‌کنید! مردم افغانستان آن‌هایی هستند که فریادشان از شمال جنوب، شرق و غرب بلند شده است. آقای مسعود با اشاره به سیاست خارجی کشور گفت: یک سیاست خارجی موفق به اساس استراتژی ملی به میان می‌آید، اما همان استراتژی ملی که همه مردم افغانستان از آن خبر باشد کجاست؟ آقای مسعود در ادامه به پاسخ نماینده ویژه رییس جمهور

(اشرف غنی) اعصابش به‌جای نبوده است. شاید اعصابش به‌جای نبوده، اما مکتوبات قلبی‌اش بیرون شد. امروز به اساس همان اندیشه‌ها سیاست تک‌قومی در افغانستان پیاده شده است. آقای مسعود، با اشاره به سخنان نماینده ویژه رییس‌جمهور در این مناظره گفت: اگر می‌گویید که «جنرال دوستم، معاون اول رییس جمهور، مشکل قضایی دارد؛ اگر می‌گویید که همایون همایون و ظاهر قدیر طوری دیگری هستند؛ عطا محمد نور محترم است؛ اما کنار برود؛ جوانانی که در جنبش روشنایی و رستاخیز شهید شدند از

که حکومت قومی نیست، گفت: صدایی که از قندهار، شمال، جنوب و غرب کشور بلند شده می‌گویند که حکومت قومی است و از قوم به عنوان ابزار استفاده می‌شود. او گفت: وقتی حکومت ادعا می‌کند که استراتژی ملی دارد، کجاست که هیچ کسی خبر ندارد، وقتی استراتژی ملی را تعریف می‌کنید باید مولفه‌های ملی را در آن باشد. حکومت در توزیع شناس‌نامه‌های برقی بیش از دو سال می‌شود که نمی‌تواند مسأله افغان و غیر افغان را فیصله کند، چگونه استراتژی ملی دارد که هیچ فردی از آن آگاهی ندارد.

آقای مسعود گفت: جنگ از جنوب به شمال انتقال یافته، اما تمام افغانستان در جنگ می‌سوزد. طوری ما که در ۱۴ سال تحت برنامه آجدای ملی، دولت وحدت ملی و برنامه وفاق ملی به‌خاطر مسأله ملی تلاش کردیم، فکر کنم کمتر کسی باشد که چنین کاری کرده باشد. بناً هیچ نوع مسأله قومی را نداریم. اما در سه سال از عمر حکومت وحدت ملی این‌ها(رهبران حکومت وحدت ملی) طوری به وحدت ملی ضربه زدند که بی‌اعتمادی تمام در میان مردم ایجاد شده است و یک گسست اجتماعی کلان صورت گرفته که در تاریخ افغانستان بی‌پیشینه است. آقای مسعود، در رابطه به راه‌حل چالش‌های کنونی گفت: حکومت می‌گوید برویم به طرف انتخابات، کزری به برگزاری لویه جرگه تأکید دارد، کسی طرفدار حکومت موقت است و کسی می‌گوید که اجماع جهانی و برخی طرفدار انتخابات زودهنگام تحت نظر ملل متحد هستند؛ اما ما برنامه «وفاق ملی» را داریم و در چند ولایت هم رقتیم مورد استقبال مردم قرار گرفته است. می‌گوییم که تمام راه‌کارها روی میز گذاشته شوند تا به یک وفاق ملی برسیم و برنامه‌ی را درست کنیم که همه مردم افغانستان خود را در آینده قدرت ببینند، از نظام آینده یک تصویر روشن داشته باشند و قدرت با قدرت مهار شود. زمانی روی این موضوعات به توافق رسیدیم این تنش‌ها و بحران‌ها فروکش می‌کند. اما تا زمانی روی یک برنامه کلان ملی به توافق نرسیم موضوعات روی کاغذ برای مردم جواب گو نیست.

آقای مسعود هم‌چنان، با انتقاد از این سخن نماینده رییس‌جمهور در این مناظره که گفت: «رییس جمهور می‌خواهد که افغانستان در گرو پنجمد-ششصد نفر نباشد و می‌خواهد با سی میلیون نفوس افغانستان رابطه داشته باشد»، گفت: در گرو پنجمد-شش صد نفر بودن خوب است تا اینکه مردم افغانستان فعلاً گروگان ۵-۶ نفر در داخل ارگ هستند. مسعود گفت: اگر مسأله ملی به حکومت مهم است چرا روی آن صحبت نمی‌کند، کمیسیون را ملی نمی‌سازد، انتخابات را ملی نمی‌سازد و با تمام طرف‌ها صحبت نمی‌کند. تنها به برکناری عطا محمد نور به عنوان والی پافشاری دارد. در حالی آقای نور و دیگران حاصل میلیون‌ها رای هستند.

ته تهرپری. د جوزجان والي مولوي لطف‌الله عزيزي آزادي راډيو ته وويل، که د ترکمنستان د برېښنا جريان بېرته عادي حالت ته راونه‌گرځي، د جوزجان، سرپل، فارياب او هرات ولايتونو د خلکو ورځني ژوند او صنعتي فعاليتونه به له ستونزو سره مخ شي. نوموړي زياته کړه:

«د ترکمنستان د برېښنا بندېدو د شبرغان د ښار او ولسوالیو اوسېدونکو ته ستونزې رامنځته کړي، هيله ده د برېښنا بېرته وصل کېدل دوامداره وي. دلته فابريکې هم شته لکه جرق دق او خواجه گوگردک چې په برېښنا چلېږي او که برېښنا نه‌وي ډېری کارگران به يې اوزگار شي.» افغانستان اوس څه باندي ۱۲۰۰ کېلو واټه برېښنا له ترکمنستان، ازبکستان، تاجکستان او ايران نه واردوي، حال دا چې برېښنا ته د دغه هېواد اړتيا څه باندي اووه زره کېلو واټه ده. د افغانستان د برېښنا شرکت د معلوماتو له مخې د دغه هېواد شواوخوا ۹۰ فيصده برېښنا وارداتي ده.

برېښنا شرکت: ډېر ژر به د افغانستان ۴ ولايتونو ته د ترکمنستان د برېښنا جريان عادي شي



ښاغلي ناصري دا هم وويل چې د ترکمنستان له مسؤلينو سره په لومړنيو تېليفوني خبرو کې هغه هېواد «ترکمنستان» حاضر شو چې د يوې مياشتې لپاره په مؤقتي توگه افغانستان ته د خپلې برېښنا لېږد جاري وساتي. د ترکمنستان برېښنا د فارياب ولايت د اقيښې له بندره، فارياب، سرپل، جوزجان او هرات ولايتونو

هيله موجوده ده چې ياده ستونزه هواره شي.» ښاغلي ناصري وويل، د ترکمنستان د برېښنا له بندېدو څو ورځې مخکې افغان پلاوي د ترکمنستان له مسؤلينو سره د برېښنا د يوو لورېدل نه‌وو منلي چې له همدې امله، ترکمنستان په ناخپلې توگه د افغانستان پر څو ولايتونو خپله برېښنا بنده کړه.

د افغانستان برېښنا شرکت ډاډ ورکوي چې ډېر ژر به په فارياب، سرپل، جوزجان او هرات ولايتونو کې د ترکمنستان د برېښنا جريان فعال شي. د دغه شرکت د معلوماتو له مخې، ترکمنستان غواړي د ۲۰۱۸ ميلادي کال په پېلېدو سره د خپلې برېښنا د يو کېلو ولټ بيه چې پخوا دوه امريکايي ستنه وه، څلورو ستنو ته پورته کړي. د افغانستان د برېښنا شرکت عملياتي رئيس عبدالوکيل ناصري د سې شنبې په ورځ «۱۳۹۶ کال د مرغومي ۱۲» آزادي راډيو ته وويل چې په سرپل، فارياب، جوزجان او هرات ولايتونو کې د ترکمنستان برېښنا په موقته توگه فعاله شوې او نن سې شنبه به ترکمنستان ته د يو پلاوي په سفر سره دغې ستونزې ته د هوارې لار ولټول شي. نوموړي زياته کړه:

«د برېښنا دغه مسئله مؤقتي ده، زموږ رئيس عشق‌آباد ته روان دی او دغه ستونزه به هواره کړي، حکومت د درې وزارتونو نه جوړ يو پلاوي چې د برېښنا د بورډ مسؤليت لري ټاکلی، دوی هغه هېواد ته بېرته سفر کوي او ۱۰۰ په ۱۰۰ کې دا

فیسبوک نامه

عزیز آریانفر



خینه پس از عید ترامپ!

ترامپ در صفحه توییت خود نوشته که امریکا در ۱۵ سال گذشته ۳۳ میلیارد دلار به پاکستان «احمق پولی» داده است، اما درمندان، کنون بسیار دیر شده است. پاکستان اکنون هیچ وابسته‌گی بی به امریکا ندارد و اگر امریکا قلدردی کند، بی درنگ خود را به دامان چین، روسیه و ایران خواهد افگند و هرگاه فشار را بر اسلام‌آباد افزایش دهد، می‌تواند با بستن فضای هوایی خود به روی امریکایی‌ها، آن‌ها را در افغانستان زمین گیر سازند.

از این‌رو، ترامپ بخواهد یا نخواهد، ناگزیر است به پاکستان باج پردازد و در واقع ته جایی خاک افغانستان را بدهد. یعنی امریکا در اثر سیاست‌های نادرست خویش در چند دهه گذشته به گروگان پاکستان در قبال افغانستان مبدل شده است. از این باج‌دهی امریکا به پاکستان یعنی پرداخت احمق پولی کماکان ادامه خواهد یافت و امریکا هیچ چاره‌ی جز پرداخت این پول ندارد.

عبدالله شریعت



داکتر عبدالحی الهی، نخستین معاون گزینش شده احمدشاه مسعود شهید!

شناخت شخصیت دانشمند شناخته شده و فراموش شده جهاد، جبهه پنجشیر و نخستین دستیار راستین و مشاور مسعود شهید، در تمام امور در حضور و غیابش بود. هر چند در زمان جهاد و مقاومت برخی افراد با فشار تحمیلی، توقع و انتظارشان این بود تا به عنوان معاون امرصاحب تصویب شوند، اما مسعود با این تقاضاهای غیر مستقیم قطعاً و قلباً موافق و سازگار نبود. تا آنکه داکتر عبدالحی الهی در سال ۵۸ با باز شدن دروازه زندان پل چرخ‌ری رها شد و مستقیم رهسپار پنجشیر شد. امرصاحب با درک و کشف شاخص‌های شخصیت داکتر الهی، با سجایای سیمای سیرت، علم و تقوا، دانش فقهی و فلسفی، حلم و تواضع، کف نفس، حسن سلوک و ساده زیستن و بسا مکارم اخلاقی نادر و نایاب و منحصر به فرد دگر، از جمله ظرفیت، ظرافت، تواضع، حوصله‌مندی و بسا شایسته‌گی‌های دیگر که ذکر آن در حیطه حوصله این متن مختصر و قصار نمی‌گنجد. پس، لاجرم با این تلطیف احساس مسولیت‌شناسانه معرفی این نخستین معاون امرصاحب را اختصاراً جهت فهم عاجل نسل جوان به بازسناسی می‌گیرم تا مبادا مثل عبدالحی الهی، فرمانده مسعود نیز از خاطره تاریخ در روزگار حال و آینده‌گان زادگاهش به فراموشی سپرده شود.

یک‌ماه با داکتر الهی در یک خانه محقرانه در خانه‌بدوشی از یک جا به جایی و از یک خانه به خانه دیگری با رعایت تدابیر امنیتی به حیث مجاهد فی سبیل الله مهمان ناخواسته دسترخوان مردم نادر محلی بودیم. هر روز و شب بحث و مذاکره، پرسش و پاسخ، تدریس و آموزش، شب‌خیزی و شب‌بندداری جز آموزه‌های شبانه‌روزی ما بود و من از بحر علم آن عالم متبحر آموزه‌های بسیاری دارم. البته، هرازگاهی امرصاحب با داکتر الهی در خصوص مشوره روی برنامه‌های کاری خود ملاقات می‌کرد. امرصاحب چهره جذاب و گیرا و طبع شوخ با ظرافت خاص با دوستان خویش داشت و هر بار با خطاب به من می‌گفت: من می‌فهمم تو آدم فرار از آرمان زمان نیستی و انشا الله وقت دور شدن از استادت نزدیک شده است. آدم جنگ و با روحیه باید آماده انجام مأموریت‌های نظامی سیاسی مستقل باشد. از قضا روز موعود فرا رسید. یکی از محافظان کماندوی امرصاحب به سراغ ما آمده و از ضیافت مهمانی در منزل باشی سعدالدین خان، یار بزرگ و مرد وفادار و یارو یاور با و قارش همانند کوه استوار در کنارش در شرایط قرار داشت.

این سومین مرد عیار و خرابات جهان‌گرد و مرد بزرگ در سطح ملی بود. او با تمام رجال بزرگ کشور به شمول پدر من، به حیث یکی از زمین‌داران بزرگ از قوم پشتون در ولسوالی چهار دره ولایت کندز از نزدیک آشنایی داشت. از این‌رو، با وقار و عزت یک رادمرد جوان مرد بیشتر از هر کس دیگر با این مجاهد مهاجر تفقد و مهر و مهربانی خاص با این مجاهد مهاجر خانه‌بدوش داشت. امرصاحب با توجه خاصی که به داکتر الهی داشت، یکی از دختران حاجی سعدالدین را برایش به همسری خواست گار شد.

در پنج سال پس از طالبان طالبان چیزی بیشتر از «درد سر»

زمانی که دیس براون، وزیر دفاع بریتانیا، از طالبان به عنوان یک عنصر مهم در فضای سیاسی افغانستان یاد کرد، صحنه‌های تازه‌ی بی‌بر درونمای صورتات جامعه غرب درمورد افغانستان، گزینش و پرورش یافت. هرچند داویننگ ستریت و پارلمان کشور بریتانیا به حمایت ۳۶۰۰ تن نظامیان خویش در هلمند، ۹۰۰ تن دیگر افزوده است، اما براون اعتراف کرده است، که «جنگ با طالبان کم ارزش جلوه داده شده بود. مقاومت طالبان بیشتر از آن بوده، که ما تصور می‌کردیم». براون گفته است که تمام کشورهای عضو پیمان ناتو نیز باید با اعزام بیشتر نیروهای مسلح، جنگ بر علیه طالبان و دهشت افگنی را در افغانستان تقویت بخشند.

هرچند ناتو با افزایش نیروهای خود از حضور ۹۰۰۰ نفری تا ۱۸۰۰۰ در افغانستان، نتوانسته است امنیت لازمی را درین کشور به ارمغان آورد، رئیس جمهور کرزی خواهان نظامیان بیشتر برای حمایت از افغانستان گردیده است. چندی قبل داکتر کاندونیله رایس، وزیر خارجه امریکا، در جلسه وزرای خارجه کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی در بروکسل تقاضا نمود تا به این درخواست کرزی جواب مثبت ارایه گردد، ولی تا به حال هیچ کشوری به جز جمهوری پولند دست به اقدام جدی و عملی نکرده است. از سوی دیگر آقای پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان، در کمیسیون اتحادیه اروپا هشدار داده است، که طالبان به نیروی پرطرفداری در میان پشتونهای افغانستان و پاکستان مبدل گشته اند. در کشورهای حامی نظامی و اقتصادی افغانستان نیز بحث‌های گرم در جریان است، تا بدانند که وضعیت افغانستان به کجا می‌کشد؟ رهبران کشورهای پاکستان و افغانستان از شدت و یکمین تریبون مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تعهدات شانرا در مبارزه با دهشت افگنی اعلام داشتند. سخنرانهای هردو رهبر نشانگر عدم موجودیت جدیت و مسؤلیت پذیری همسایه‌های شان بود. اینها همه پیش زمینه‌هایی شدند تا هردو رهبر درقرصنفید و درحضورریس جمهوربوش دست به پرخاشهای جدی سیاسی بزنند و از حیطه دیپلوماسی معاصر که بنام دیپلوماسی تعادل و صلح پسند مسمی گردیده پاپرون نهند. این نحوه برخورد با بیش جهانی ازسوی آقای بوش پس از حوادث یازدهم سپتامبر به تجربه‌های معمول دیپلوماسی امریکا مبدل گردید. پارادوکس در نحوه برخوردها از جریان بازدید آقای مشرف و اظهارات ضد و نقیض هردو رهبر در بالاترین مرجع دیپلوماسی جهان نشأت می‌نماید. این دونگریها و رهبر در کابل، بروکسل و نیویارک، بیانگر چیست؟ البته چینی این روش همسایه بحث برانگیز، چه تأثیر بر اوضاع داخلی افغانستان خواهد داشت، مستلزم مطالعه دقیقی است، که امید می‌رود دیپلوماسی افغانستان آنرا به مطالعه گیرد.

در عملیات اخیر قطعات امریکایی، که با حمایت نیروهای تأمین صلح و ارتش افغانستان همراه بوده، ده‌ها تن از امریکاییها و نیروهای بین‌المللی حافظ صلح، توسط شورشیان طالب به قتل رسیدند. باید قتل سربازان غربی در افغانستان را جدی گرفت. هرچند صاحب‌نظران به این باورند که جنگ عراق، توجه جدی جامعه جهانی را نسبت به افغانستان کاهش داد؛ ولی به قول جنس بروک، تحلیلگر مسایل امنیتی جهانی، طالبان درسهای بزرگی از جنگجویان عراق آموختند و تاکتیکهای جدیدی را در مبارزه علیه نظامیان خارجی و نیروهای امنیتی افغانستان به کار بردند.

به قول همین تحلیلگر، امریکاییها، از آوان ورود به افغانستان نتوانستند نقاط ستراتیژیک مهم را درست شناسایی نموده، نیروهای نظامی خود را در هنگام شکست طالبان جاسازی نمایند. این درحالیست که طالبان در همین مناطق مهم دوباره حضور پیدا کرده و شکل می‌گیرند. تیرک ایلیگی، تحلیلگر مسایل ستراتیژیک دانشگاه روابط بین‌الدول آکسفورد، به این باور است که طالبان شبکه‌ی رابطی شانرا با سایر گروههای دهشت افگن جهانی خیلی مستحکمتر کرده‌اند. گمان می‌رود که القاعده تنها و یگانه شریک طالبان نباشد، آنها با لیبیا، چین، کشمیر، سودان، مصر، یمن گروههای تندرو اروپا، چون حزب التحریر و با گروههای مذهبی پاکستان رابطه‌های همکاری بسته‌اند.

وی می‌گوید: در مناطق تحت سلطه طالبان، بیشترین مقدار مواد مخدر زرع و تولید می‌گردند، که زمینه و امکانات خوبی برای حمایت طالبان به شمار می‌روند و هزینه آن، در سال گذشته، به هزده میلیارد دلار بالغ شده بود. زمانی که آقای بوش، مرحله اول جنگ سوم جهانی (جنگ با دهشت افگنی) را پیروز اعلام نمود، طالبان را تنها به یک درد سر تشبیه می‌کرد؛ اما حالا، طالبان چیزی بیشتر از یک درد سر عادی به حساب می‌آیند. طالبان حالا به یک ماشین ترمیم شده بی می ماند و آنقدر فرسوده نیست که به قول دیس براون ناویده حساب شود. آنها در تبابی با القاعده جنگهای فرسایشی را سازمان می‌دهند. کارمندان مؤسسات جهانی را به قتل می‌رسانند. حملات ضد حمله بر نظامیان امریکایی و نیروهای ایساف را سامان می‌دهند. حملات انتحاری در شهرهای مهم افغانستان را راه می‌اندازند. علمای معتدل مذهبی را به قتل می‌رسانند. مکانب راه، به خصوص مکاتب دخترانه راه، به آتش می‌کشند و معلمین را سر می‌برند.

از قرار اظهارات ملا دادالله، که فرمانده عملیات طالبان خوانده می‌شود، آنها بیست ناحیه در جنوب افغانستان را در دست گرفته‌اند و از ۱۲۰۰۰ نیروی جنگی بهره‌مند می‌باشند. در حالی که این ارقام به مراتب پایین‌تر به نظر می‌خورند.

اکنون که پنج سال از حذف طالبان متخاصم از قدرت سیاسی افغانستان می‌گذرد، طالبان با حمایت القاعده و گروههای تندرو دیگر، به خصوص حامیان خاورمیانه‌ی خویش از مرزهای پاکستان جا و جان می‌گیرند. درین مقاله سعی می‌کنم تا عوامل و بینشهای این بازگشت فرسایشی را مختصراً به بحث بگیرم و تلاش می‌نمایم تا اشتباهاتی را که در زمینه‌های مختلف حیات اجتماعی - اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه افغانستان اثر گذاشته است، برشمردم.

قابل تذکار می‌دانم، که نگارنده این مقاله، از آغاز سرنگونی طالبان، اوضاع کشور را از نزدیک مطالعه نموده و در عرصه‌های تحقیقاتی، مطالعه از وضعیت حاکمیت قانون، حقوق بشر، دموکراتیک سازی روند کنونی و استحکام نهادهای جامعه مدنی در افغانستان، از مدت پنج سال بدینسو، در افغانستان فعالیت داشته است و درسه‌ها و تجارب مهمی را از کشورهای شبیه افغانستان در آسیا و افریقا - جاهایی که نگارنده همزمان با افغانستان کار نموده - آموخته است، که درین مختصر نوشته از آنها یادمانی می‌شود.

ملک ستیز



رسانه‌های اسپانیا در برابر رئال مادرید



رسانه‌های اسپانیا در مورد اطلاع‌رسانی نادرست در مورد فوروارد کهکشانی‌ها، از رئال مادرید انتقاد کردند. در آخرین روزهای سال پایان یافته ۲۰۱۷ رئال مادرید به لحاظ اطلاع‌رسانی به گونه‌ی عمل کرد که ابهامات زیادی را در مورد کریم بن‌زما، مهاجم فرانسوی‌اش بوجود آورد. طبق اعلام این باشگاه، بن‌زما در جریان دوئل ال‌کلاسیکو با بارسلونا، دچار آسیب‌دیده‌گی شد که به ۲ تا ۳ هفته ریکاوری نیاز دارد. اما بعد از این بازی، تصاویری از این مهاجم قدیمی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، انتشار یافت که به هیچ‌وجه از آسیب‌دیده‌گی او، حکایت نداشت.

این مسأله از چشم‌تیزبین رسانه‌های اسپانیایی دور نماند. گزارشگران روزنامه‌های مارکا، آس و ال‌موندو به همین خاطر در گزارشاتی در برابر رئال، از اطلاع‌رسانی مبهم کهکشانی‌ها انتقاد کردند. به اعتقاد گزارشگران این نشریات، تیم نخست شهر مادرید با اعلام یکسری اطلاعات نادرست، سبب گمراهی‌های شده است.

والورده:

نمی‌توانم انکار کنم که جدایی نیمار برای بارسلونا سخت بود



سرمربی تیم فوتبال بارسلونا با اشاره به اتفاقاتی که برای او در سال ۲۰۱۷ رخ داد، از جدایی ناگهانی نیمار از آبی و اناری‌ها به عنوان لحظه‌ی سخت یاد کرد.

ارنستو والورده، سرمربی بارسلونا که تیمش اکنون صدرنشین جدول رده‌بندی لالیگا است، اعتراف کرد که در تابستان امسال برای او روزهای سختی رقم خورد، از جمله روزی که فهمید جدایی نیمار از جمع شاگردان او قطعی است. والورده در گفت‌وگو با سایت باشگاه بارسلونا اظهار داشت: جدایی نیمار لحظه سختی را برای باشگاه ساخت و من نمی‌توانم آن را تکذیب کنم. والورده در ادامه به وضعیت عثمان دمبله، گران‌ترین بازیکن بارسلونا که برای اولین‌بار از ابتدای فصل در آستانه بازگشت به میادین قرار دارد، اشاره داشت و گفت: باید شرایط را ارزیابی کنیم، باید پست‌هایی که توسط لئو مسی و لویس سوارس پُر شده‌اند را در نظر داشته باشیم. باید خودمان را با شرایط وفق دهیم، اما می‌دانیم که مسی می‌تواند در هر پستی بازی کند. ما می‌خواهیم او را در پستی قرار دهیم که بتواند آغازگر حملات مان باشد.

سرمربی کاتالان‌ها درباره سایه روشن‌های عملکرد تیمش در سال ۲۰۱۷، به ال‌کلاسیکو‌ی اخیر در مادرید اشاره کرد، دیداری که تیمش آن را قاطعانه و با نتیجه ۳ بر صفر برد. او ادامه داد: زمانی که حرف از دستاورد می‌شود، ما فوراً به یاد کلاسیکو می‌افتیم، چون تازه‌ترین خاطره است که داریم. البته به عنوان یک تیم ما لحظات مهم فراوانی را تجربه کرده‌ایم، بازی‌مان در خانه برابر یوونتوس (پیروزی ۳ بر صفر در اولین بازی مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپای فصل جاری)، بازگشتی که در لیگ برابر ختافه داشتیم و ...

بسیاری از شایعاتی که این روزها درباره بارسلونا ساخته می‌شود به تلاش این باشگاه برای خرید فیلیپه کوتینیو از لیورپول اشاره دارند.

والورده اما به جای صحبت درباره کوتینیو ترجیح داد درباره دمبله و بازگشت او صحبت کند. وی اظهار داشت: برای اینکه بازیکن بارسلونا شوید، شما باید توانایی‌های متفاوتی داشته باشید. دمبله باید خودش را با شرایط بازی ما وفق دهد. او مصدومیت سختی داشت که ضربه بزرگی به این بازیکن زد. دمبله بازیکنی جوان و با استعداد است، اما امکان دارد بعد از چنین انتقال بزرگی تنش‌هایی به او وارد شده باشد.

Mandegar

عقد قرارداد استخراج معدن نمک غوریان با یک شرکت خصوصی

با یک شرکت خصوصی امضا کرد. به گفته خانم نهان، با استخراج این معدن برای بیش از دوهزار تن زمینه کار فراهم می‌شود و وزارت معادن و پترولیوم سالانه بیش از ۲۶ میلیون افغانی از این معدن درآمد خواهد داشت. بصیراحمد، عضو شرکت قراردادی می‌گوید، بر بنیاد قانون معادن، کار استخراج معدن نمک را آغاز کرده و به تمام تعهداتشان عمل می‌کنند. سرپرست وزارت معادن و پترولیوم می‌گوید، بر پایه این قرارداد بیش از چهارصد هزار دالر از سوی شرکت قراردادی در معدن نمک غوریان سرمایه‌گذاری می‌شود و بیش از ۷۰ هزار دالر دیگر برای ارائه خدمات اجتماعی اختصاص داده خواهد شد.



نرگس نهان، سرپرست وزارت معادن و پترولیوم روز سه‌شنبه در نشست در کابل، قرارداد استخراج معدن نمک ولسوالی غوریان هرات را

سیاست خارجی ترامپ در ۲۰۱۸

روزنامه گاردین

این پیشنهاد او واکنشی تحقیرآمیز نشان دادند و حتی عملکرد تیلرسون در سمت وزیر امور خارجه آمریکا نیز زیر سوال رفت. ناظران کره شمالی مدتی است که در حال ارزیابی احتمال بروز یک جنگ با این کشور در ماه‌های آینده بوده و دست‌کم یکی از کارشناسان این شانس را ۵۰ درصد اعلام کرده است. چین ترامپ در ارتباطش با حکومت چین دو هدف اصلی را مدنظر دارد که عملاً در تناقض با یکدیگر هستند. او از یک طرف می‌خواهد دستور کار مشهور به «اول آمریکا» را در خارج نیز به پیش ببرد و در این راستا یک ارتباط تجاری به نفع آمریکا برقرار کند و در سمت دیگر تلاش می‌کند کمک‌های بیشتر پکن را در افزایش فشار بر کره شمالی به دست آورد. اینکه این تناقض چطور قرار است به خودی خود حل شود و این مساله که کدام یک از این دو هدف بر دیگری اولویت دارد، اصلی‌ترین مساله راهبردی شمال شرق آسیا خواهد بود. تصمیم دولت چین برای

تأثیری که ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ بر روابط بین‌المللی می‌گذارد، احتمالاً برای چندین نسل مورد مطالعه قرار خواهد گرفت اما در حال حاضر مساله این است که در وهله اول ما چطور از ریاست‌جمهوری او جان سالم به در ببریم. کارشناسان سلاح‌های هسته‌ای آگاه به نابودی قطعی دوطرفه در صورت استفاده جنون‌آمیز از این سلاح‌ها، اکنون هرچه بیشتر این شوخی نگران‌کننده را تکرار می‌کنند که کم‌کم باید به فکر سکونت‌گاهی در خارج از شعاع انفجار یک بمب هسته‌ای در شهر واشنگتن باشیم. برخی از خطراتی که ریاست‌جمهوری ترامپ ایجاد کرده، به هر ترتیب در حال تشدید هستند. با وجود آنکه دولت قبلی آمریکا مناقشه با کره شمالی را تحریک نکرد اما عوام‌فریبی بیمارگونه ترامپ سیر نزولی منتهی به جنگ در آسیا و خاورمیانه را تشدید کرده و این در حالی است که از طرف دیگر، بی‌توجهی او به تغییرات آب‌وهوایی یک مانع جدی بر سر راه نجات کره زمین است.



مردی هنگام تجاوز به دختر ۱۸ ساله‌اش کشته شد



مردی در جوزجان هنگام تجاوز به دختر ۱۸ ساله‌اش کشته شد. عبدالحفیظ خاشی، آمر امنیت فرماندهی پولیس جوزجان می‌گوید، این مرد از سوی پسر بزرگش و با وسیله اسلحه کشته شده است. فرزندان این مرد می‌گویند که یک خواهر دیگرشان نیز بارها از سوی پدر مورد تجاوز قرار گرفت و در نهایت پا به فرار گذاشت و از او هیچ خبری در دست نیست. این رویداد در روستای خیرخانه شهر شبرغان، مرکز جوزجان رخ داده است. به گفته آمر امنیت فرماندهی پولیس، پسر این مرد پس از کشتن پدرش شخصاً این موضوع را به نیروهای امنیتی در میان گذاشته است.

طالبان یک تیم واکسیناسیون را در غور ربودند

می‌خواهند این واکسین در مناطق تحت کنترل آنها نیز تطبیق شود. به گفته او بزرگان محل در تلاش اند تا از طریق گفتگو با طالبان این افراد را آزاد سازند. اما به گزارش خبرگزاری آلمان (دی پی آ) سخنگوی طالبان این اتهامات را رد کرده است. گروه طالبان فعلاً بر ۱۳ درصد قلمرو افغانستان کنترل دارد و ۳۰ درصد قلمرو دیگر افغانستان مورد منازعه قرار دارد. جنگجویان این گروه در ماه‌های اخیر چندین سازمان غیردولتی و کلینیک را در مناطق تحت کنترل شان تهدید و یا مسدود کرده اند.



مقام‌های محلی در ولایت مرکزی غور گفته اند که گروه طالبان یک تیم واکسیناسیون را ربوده اند. بزرگان محلی در تلاش اند که از طریق مذاکره با طالبان این افراد را رها سازند. عبدالرحی خطیبی، سخنگوی والی غور روز سه‌شنبه گفت که این تیم متشکل از چهار مرد و یک خانم بعد از ظهر دوشنبه از نزدیکی‌های شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت ربوده شده اند. به گفته او، این افراد مصروف تطبیق واکسین سرخکان بودند. محمد مهدوی، عضو شورای ولایتی غور گفت که طالبان این افراد را به این دلیل ربوده اند که

آنکه کمپ‌های آوارگان احداث کند، نشان می‌دهد که این کشور هم‌اکنون برنامه‌ریزی برای سقوط حکومت در پیونگ‌یانگ و جنگی ویرانگر در شبه‌جزیره کره را آغاز کرده است. ایران تخاصم با ایران یکی از اصلی‌ترین عناصر سیاست خارجی ترامپ است. این دشمنی از یک طرف در تمایل او برای نابود کردن میراث سیاست خارجی باراک اوباما در ارتباط با توافق برجام خود را نشان می‌دهد. ترامپ در ماه اکتبر از تایید این توافق سرباز زده و تهدید کرد که در اواسط ماه ژانویه به کلی این توافق را از بین می‌برد. بدین منظور او تنها نیاز دارد که فرمان لغو تحریم‌ها را امضا نکند تا راه برای اجرای دوباره تحریم‌ها هموار شود. این کار دولت ترامپ آمریکا را در مسیر تقابل با ایران قرار خواهد داد؛ در حالی که نشان‌دهنده بی‌توجهی او به هم‌پیمانان سنتی این کشور در اروپا خواهد بود و در عین حال او را هرچه بیشتر به کسانی نظیر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، محمد بن سلمان، ولیعهد

جامعه بین‌المللی به تکرار از طالبان خواسته است که در مناطق تحت کنترل شان مانع فعالیت سازمان‌های خیریه و تاسیسات صحتی نشوند. با وجود این، سازمان‌های غیردولتی، کلینیک‌ها و پرسونل صحتی که طالبان آنها را به عنوان کارمندان حکومت می‌نگرد، مورد حمله و تهدید قرار می‌گیرند. علاوه بر این، گزارش‌ها نشان می‌دهد که در جریان جنگ‌ها از کلینیک‌ها به عنوان منطقه محافظتی و یا پایگاه سوء استفاده می‌شود. سازمان‌های امدادی از مشکلات گسترده در دسترسی به مردم در مناطق زیر کنترل طالبان شکایت می‌کنند.